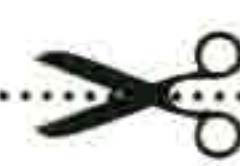


نوجوان

● سال پنجم، شماره ۲۵۱
● پنجشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۵
● ۲۰۰ تومان



اطالیس خودروهای جهان

کتاب در مجله

جلد اول



پنجم فروردین ماه ۱۴۰۰

دوست

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام «ره»

شرح روی جلد

بازی چتر بازان و ۵ اشتباه

رو و پشت جلد تصویر تعدادی چتر باز را می بینید که در حال فرود آمدن با چتر نجات از هواپیماها هستند. اگر خوب به تصویر دقت کنید، متوجهی ۵ مورد اشتباه در تصویر خواهید شد. قلم بردارید و این اشتباهات را پیدا کنید.



- مدیر مسؤول: مهدی ارجانی • سردبیران: افشین علاء - سیامک سرمدی
- مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی • تصویرگر: محمد حسین صلواییان
- مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علاء
- عکس: امیر محمد لاجورد • حروفچین: نیرالسادات والاتبار
- امور مشترکین: محمد رضا اصغری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج نشانی: خیابان انقلاب -
چهار راه حافظ - پلاک ۹۶۲ تلفن: ۶۶۷۰۶۸۳۳ - ۶۶۷۱۲۲۱۱ نعابر: ۶۶۷۱۲۲۱۱

فهرست مطالب کتاب در مجله:

- | | |
|--------------------|--------------|
| ● بیوک لسابر | ● مقدمه |
| ● بیوک پارک اوینیو | ● فیات پالیو |
| ● بیوک رینر | ● فورد کراون |
| ● بیوک لاکروز | ● پونتیاک |
| ... | ● بیوک |

تاب در مجله

اطالس خودروهای جهان

جلد اول



ویره مشترکین مجله

تولد دوستان «دوست» برای ما عزیز و گرامی است. خوشحالیم که تولد این عزیزان را در مجله خودشان تبریک می‌گوییم. تبریک تولدتان هدیه‌ای ناچیز از طرف ما به شماست. آخر «هر چه از دوست رسد، نیکوست». صد سال زنده باشید!

تولدتان مبارک!

فرورزان سپهابی - زینب رزاقزاده شیستری -
محبوبه امام علیپور - محمد محمدی - سیده سفید رخ - پریسا مسعودی فرد - بینا مهدی مقدم بازفلعه - بهروز وظیفه - یاسمین تکونام قدیری - سیده زهرا صمدانی فرد - درا داعی قزوینی - سعید جلالی فراهانی - مهناز نامی - مدیا عزیزی - فائزه محمدی - مینا هادی - محمد حراست - مانا امیری - امین امیریگلوی داریانی - کیمیا طالیبانی - شهرزاد خطیبزاده - شایان شیرود بزرگی - نریمان مستحبیان - قارا بهنام - یکتا بهرانی - وانیا تدایان - محمد سعید یابانی - دنا ساحل - علی الماس گنج - مسح شناور - طنار خسروانی تهرانی - درسا کمندی - فاطمه یگدلی شاملو - علی مساح - محمد حسین مشایخی - علیرضا عزیز مند - محمد مهدی اشعری پناهی - مانده افتخاری - یاسمین مهدی پور آقابقر - امیر مهدی موسوی بجنوردی - شایان سعیدی - سید مهدی طیبی - زهرا صنعتگران - ریحانه اسدی - نسیم ولایتی - محسن اصغری نیا - کیمیا جایی فر - فاطمه رحمانی فرد - سپیل اصل علوی پایدار - محمد هادی احمدپور - جهانفر داشتیان - سید علی شکیبا - شکیبا محمدی اردھالی - سپیتا سالاری - محدثه نیازاده - سیده حانیه کاظمی طباطبایی زواره - محمد بارسا خلیق - زهرا آخوندی - عسل ناطقی - سید امیر رضا یاسینی - اشکان کریمی - فرهاد محمد یگی - علی فقانی - کسری پژوادی - علیرضا کاظمی - زینب صالحی فرد - زهرا سادات تقوی - محمد اسدی مسجدی آرانی - ساجده بافتنه میربانی - محمد امین درستان - مهدی کاظمی لاری - حانیه عندهلیب الوارسی - امیر حسین مردی - بشیر نداف - متین نامور - زهره طاهری - سحر محشی - امیر محمد آرامون - سید امیر رضا میر عندهلیب آرین اردشیری - زینب باصری - علیرضا صادقی علیانی - امیر حسین کریمی - امیر محمد شاه

فویهار - فاطمه ندافی - الناز پور عندلیبی - محمد سجاد رمضانی - محمد ابوالحسنی - زهرا حسین متولی - عرفان خلیل زاده - ثنا محسنسی سبی - فاطمه شفیعی - لیلا ظفرپور - زهرا خسرو احمد - بوریا نعمتی - یاسمین مظفری - غزاله رشیدی - نازنین میهنی - حمید رضا حسینیان - سید محمد عمامی چاشمی - کسری قیومی - مهدی اسلامی - زینب اکرمی - مریم بخشندی - فاطمه جعفری - حمید عباسیان - عطیه مردانی - محمد مهدی حسینی - نیما صفاریان - آوا شجاعی - زهرا اختنی - زهرا متهیانی - غلامرضا زوار دوست - اعظم چگنی - صدف صبوری - علی مدرس - امیر محمد احمدی - شهرزاد رادپور - بیکان غفاری - علی کاظمی - روشنان غفاری - روزین اسداللهی - شهاب فرقانی شمرانی - مطهره ابراهیمپور - علیرضا ابروزان - سارا مسعودی - هانیه ستاریگلو - مصطفی فاضلی حکم آباد - محمد احسان قیاسی هنرور - طلیعه خرازیان - فاطمه سادات واطع - محمد حسین رضالو - علی شیخ ربیعی - آیدا سلامت - رزین پور آرین - زهرا نهادونی - فروزان ضیایی - حورا سادات وزیری - پریناز پرهیزگار - کوثر (زهرا) حق شناس - آزاد عالی پور - مهیار قهری - صدف لونی - فاطمه ذوالقاری - میسا نورانی نیزاد - کامران شاهر ضایی - سروناز واحدی - دنیا سیجانیان - پریا تیبانیان - فاطمه قویدل صدقیق - مینا امیری - سوگند خالصه عرفان افسار محمدیان - یاسمین ضیایی - درسا گرامی منش - راشین جامع - پیرداد اکبرپور - اعظم رضایی - نیلوفر افتخاری راحله زنبار - گنیان یاقوت پور - محمد حمزه لونی - حانیه کیانیها - فاطمه حاجتی - سعید کاغذچی - ریحانه غربی - سرمه مهری - سید عادل معصومی - درسا فتح الی - علیرضا جعفرخانی - کتابون جاجرمی - ریحانه یاوی - کیمیا سعادت - سارا غلامی - عطیه علیم‌محمدیان - ملیکا حسینی - صبا معظمی - هنگامه حسین - محمد رضا نورین - فرد چیانشاهی - مونا دهدشتی - علیرضا صادقی - آرتا شمس - نگار عمونی - زهرا صادقین - محمد قرباتی - پرديس بختیاری - داریوش سرمدی - زهرا سادات محدث - آروشا ارشدی - یاسمین رودکی - مانده لکترش - سهند خانی پله رود - محمد امین پویه منش - زهرا و کالتی قرق -

علی قابقان نصاری

بهشیر: نیما هنگی

بوشهر: آرش سعادتمدند

بیرون: محمد عارف دادی - دانیال ناصری

سید عmad حسینی طباطبایی

پاکدشت: مهدیه گودرزی

تبریز: ریحانه قشمی حق - امیر علی غفاری

- علیرضا فلاحت خشکناب - مریم ابوالحسنی

بخشمندی - بیاره اخروی نیند - سیده غزاله

انجی - مریم محمدی امناب - عطا قاسملو -

شیما بر قیساز

تهران: اردلان آقایی مقدم

- علیرضا نریمی زاده - مهدی ابراهیمی

دخابخش - محمد مهدی قلیریان نائینی - سپیر

اردوخانی - صمیم پرهاudi - مهر آسا پور فلاح

الهه طالعی - یاسمین مقدسی - سام سیدین - علی

همتی - سید امیر حسین صحیح النسب - لیلی

محمد آبادی - سعید ندری - حامد آسیاچی

فرید دستکی - سیده بادینلو - تازین گوه چیان

- سارا موسوی - معین مدیری صابر - حامد

اسعدی - پرستو کلاته - سیده یاسمین افتخاری -

درسا گرامی منش - راشین جامع - پیرداد اکبرپور

- اعظم رضایی - نیلوفر افتخاری راحله زنبار - گنیان

یاقوت پور - محمد حمزه لونی - حانیه کیانیها

فاطمه حاجتی - سعید کاغذچی - ریحانه غربی

- سرمه مهری - سید عادل معصومی - درسا

فتح الی - علیرضا جعفرخانی - کتابون جاجرمی

- ریحانه یاوی - کیمیا سعادت - سارا غلامی

عطیه علیم‌محمدیان - ملیکا حسینی - صبا معظمی

- هنگامه حسین - محمد رضا نورین - فرد

چیانشاهی - مونا دهدشتی - علیرضا صادقی

- آرتا شمس - نگار عمونی - زهرا صادقین - محمد

مصطفی بی - عزل رهنما - مه سیما محمدی

تارین پیشوایان - محمد ته خدri - فاطمه جیدری

کریم - صدرا جباری - مهرداد ارس طوینیا - نیکی

متولدین شهریور ماه:

قسمت اول (بقیه‌ی اسمی در شماره‌ی بعد)

چاپ خواهد شد)

آییک: محمد محراجی

آستارا: کیارش ایسی

آمل: محمد رضا یزدان پناه

ابهر: ستایش قزوینیان

اراک: عطیه رباط نیلی

اردبیل: آرمین وثوقی

ارومیه: حمید رضا قامت‌زاده - احسان

اذانچی

اصفهان: محمد کاظمی زهراei - مهرداد

آقایی - مرjan عجفری - نیکی حدادزاده - دانیال

بلوچستانی - پرینایا نامدارپور - پردهیس محسن نیا

- غزل قاسمی - علی قربانی - علی اصغر و کیلی

کام دین زارع - مرضیه کجباf - سید محمد علی

خسروی فرد - محمد کریمپور - سلماز قماشی

- رعنای حبیمی - سید محمد میرمحمد صادقی

- پگاه عالی پور - فاطمه رزا زاده - سید محمد

غrib زاده - کیمیا سورانی - محمد جواد

مهره کش

اندیمشک: محمد کشوری

اهواز: درنا زنجبیر قراچه - ریحانه سلطانی

- فاطمه قیوه رخی - آیاز صفائی - فاطمه

پور قیاض - علیرضا منصور نژاد - سیده زهرا

شیخ‌الاسلامی - نسترن قلاچی - علی عباس شهبی

- نیمی محمدی بیهیانی

بابل: ماریه سادات جعفرزاده

برازجان: محمد امین حسام مقدم

بروجرد: محمد سرداری - شیما قوام

بسک: حسام الدین حسینی

بم: فاطمه بدیع الزمان

بناب: امیر سالار پاشای لیلان

بندر خمیر: الهه قرجیکی

بندر عباس: سجاد کاظمی - مهسا خیراندیش

○ مقدمه

از گذشته تا کنون، «مرکب هموار» یا وسیله‌ای که به راحتی به انسان سواری دهد، مورد نظر آدمی بوده است. پس از اسب و شتر و کالسکه، اینک انواع خودروهای مجهز، راحت و پرسرعت زیر پای انسان است. کتاب در مجله‌ی این هفته و شماره‌های آینده قصد دارد شمارا با خودروهای جدید بیشتر آشنا کند.

یک حاطر هر را

یکی از روزهای اعیاد مذهبی بود. (۲۷ ربیع الاول) از طرف شاه دو نفر مامور شده بودند خدمت حضرت امام بر سند. یکی از آن افراد، سید جلال تهرانی بود، که زمانی هم از طرف شاه رئیس آستان قدس رضوی شده بود. به هر حال در آن ایام سید جلال را شاه خواسته بود و گفته بود: «به مناسبت روز تولد [یا بعثت پیامبر (ص)] شما بروید و سلام ما را خدمت آقای خمینی برسانید.» نفر دوم که همراه سید جلال آمده بود، یک مامور ساواک بود. آن روز، آن دو به حضور امام رسیدند و گفتند: «می خواستیم با جناب عالی خصوصی صحبت کنیم.»

حضرت امام فرمودند:

نه، خصوصی به آن معنا نیست. ولی آقایان هستند. طوری نیست. اینها بودنشان مفید است. مضر نیست.

- نام خودرو: فیات پالیو
- کشور سازنده: برزیل
- حداکثر سرعت: ۱۶۹ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۵ دنده - دستی
- مشخصات کلی بدنه: ۳ یا ۵ در



آنها گفتند: «شاه خدمت شما سلام رساندند و گفتند که ما شاه شیعه هستیم و مملکت نظم می خواهد، شاه می خواهد، قانون می خواهد و ...» حضرت امام در جواب آنها صحبت هایی کردند و بعد فرمودند: این مطلب را که شماها می گویید که شاه می گوید قانون اساسی باید محترم باشد، کشور ایران کشور شیعه است و باید به علماء احترام قائل شد، پس علت جریانی که در مدرسه فیضیه اتفاق افتاد چه بود؟ چه کسانی به عنوان دهقان های ساوه به مدرسه فیضیه حمله کردند و مردم را به خاک و خون کشیدند و حجره های طلاب را غارت کردند؟

مامور ساواک رو کرد به سید جلال تهرانی و گفت: «ببینید، آقا می خواهند بگویند که قانون اساسی را قبول دادند، شاه را قبول دارند، و خوب، اعتراضاتی هم دارند.»

امام فرمودند: نخیر، مطلب این طور نیست که شما می فرمایید، من از شاه گله دارم. بعد که دیدند مطلب خیلی جایقتاده است، اضافه کردند: من از این شاه خیلی بدم می آید، شما عین مطلب مرا به شاه بگویید.

سید جلال تهرانی، سرش را میان دستهایش گرفت و به مامور ساواک گفت: «شما می گفتید این آقا طرفدار قانون اساسی است. ما برویم به شاه چه بگوییم.»



فیات پالیو

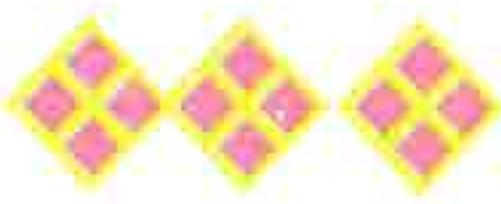




خواب و شهاب

محمد کاظم مزینانی

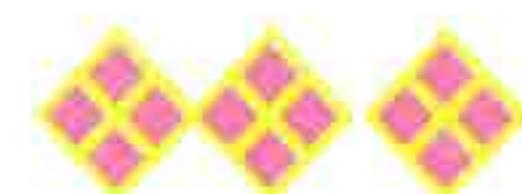
چکه چکه از لب بام
نقره‌ی مهتاب می‌ریخت
من در ایوان، مادرم نیز
از نگاهش خواب می‌ریخت



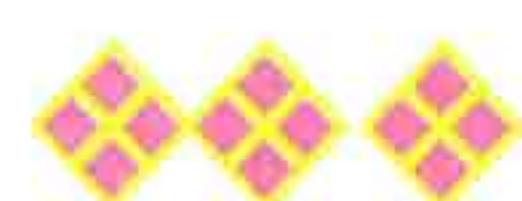
- نام خودرو: فورد کراون ویکتوریا
- کشور سازنده: کانادا
- حداکثر سرعت: ۲۰۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۴ دندۀ-اتوماتیک
- مشخصات کلی بدن: ۴ در



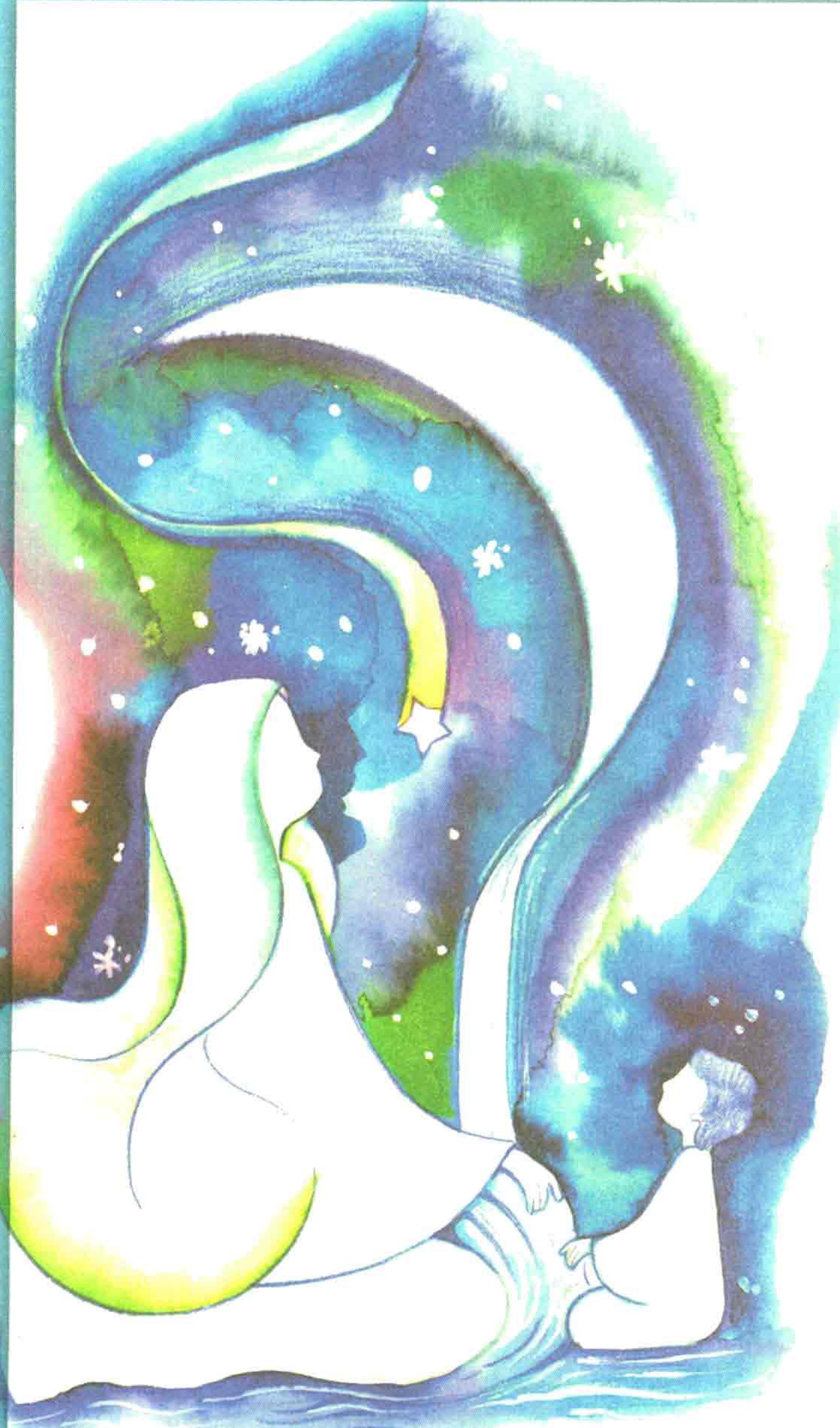
مرغ حقی، دور ترها
بر دل شب نوک می زد
مادرم بر دامن خود
وصله ای را کوک می زد



ناگهان چشمان خود را
او به سوی آسمان دوخت
یک ستاره مثل یک نخ
در نگاه مادرم سوخت



آه مادر! - مادرم گفت -
زندگی مانند خواب است
خواب زیبایی که عمرش
مثل عمر یک شهاب است



فورد کراون ویکتوریا





«فرشته یخی»

مریم محبی

فرشته‌ی یخی گوشه‌ی یخچال مغازه‌ی آقای بستنی فروشی کز کرده بود. از این جای تنگ و تاریک خسته شده بود. شاگرد بستنی فروش در یخچال را باز کرد بستنی برداشت و دوباره در یخچال را بست. بعد از چند لحظه دوباره شاگرد بستنی فروشی در یخچال را باز کرد، یکی دیگر از شاگردهای بستنی فروش به او گفت: «نان بستنی قیفی تمام شده، چند بسته نان اینجا بیاور». شاگرد بستنی فروش بدون اینکه در یخچال را بیندد رفت تا نان بستنی قیفی بیاورد. فرشته‌ی یخی دید این بهترین فرصت برای فرار کردن است، شاید اگر این موقعیت را از دست بدهد دیگر هیچ وقت نتواند از اینجا بیرون برود و محکوم است برای همیشه اینجا بماند. فرشته‌ی یخی خیلی سریع طوری که شاگرد بستنی فروش متوجه نشود از یخچال بیرون پرید و پشت آن قایم شد. اما فرشته‌ی یخی نمی‌توانست مدت زیادی در جای گرم بماند، او حتماً باید در جای خیلی خنک زندگی می‌کرد و گرنه آهسته کوچک می‌شد. فرشته‌ی یخی مدتی آنجا صبر کرد تا کمی کوچکتر شود و کسی نتواند او را بینند. بعد آمد بالای پنجره و از آنجا پرید روی بستنی که دست یک پسر بچه بود. پسر بچه کمی از بستنی خورد و به مادرش گفت: «دیگر نمی‌خوام». وقتی آنها به خانه رسیدند مادر بستنی را در جایخی گذاشت. فرشته‌ی یخی که باز هم در جای خنکی قرار گرفته بود شروع کرد به بزرگ شدن. فردای آن روز پسر بچه یادش آمد که دیروز همه بستنی اش را نخورد و مادرش آن را در جایخی گذاشته است. وقتی پسر در جایخی را باز کرد با موجودی روبرو شد که اندازه‌ی یک عروسک بود با موهای بلند یخی و بدن یخی که آنطرف بدنش هم معلوم بود. پسر بچه از دیدن او تعجب کرد و گفت: «تو کی هستی، چطوری اینجا آمدی؟» فرشته‌ی یخی گفت: «خواهش می‌کنم آرامتر حرف بزن، لطفاً مرا جای خلوتی ببر تا همه چیز را برایت تعریف کنم، در ضمن برای من مقداری هم یخ بیاور و گرنه کوچک می‌شوم». پسر بچه یخ‌هایی را که در جایخی داشتند در ظرفی ریخت و فرشته‌ی یخی را در آن گذاشت و به اتاقش برد. پسر بچه گفت: «حالا بگو



نام خودرو: پونتیاک گراند پری

کشور سازنده: کانادا

حداکثر سرعت: ۲۲۵ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دندنه-اتوماتیک

مشخصات کلی بدن: ۲ یا ۴ در

کی هستی و از کجا آمده‌ای؟» فرشته‌ی یخی در حالیکه خیلی ناراحت بود گفت: «من فرشته‌ی یخی هستم چون تمام بدنم از یخ درست شده و از سرزمین یخها آمده‌ام. در سرزمین من همه چیز از یخ است، درختان، گل‌ها، پرندگان، چشمه‌ها، کوه‌ها و همه چیز از یخ است و من فرشته‌ی آن سرزمینم. اطراف سرزمین ما دیواری از یخ است و در بزرگی هم دارد که دروازه‌ی آن است. اما ما هیچ وقت دروازه‌ی شهرمان را نمی‌بستیم چون فکر نمی‌کردیم کسی بتواند به سرزمین ما راه پیدا کند، ولی یک شب آقای بستنی‌فروش در خواب به سرزمین یخ‌ها آمد و وقتی فهمید من فرشته‌ی آنجا هستم و می‌توانم همه چیز را خنک نگه دارم مرا در کیسه‌ای از یخ گذاشت و به مغازه‌اش آورد و در داخل یخچالش گذاشت. اینطوری او دیگر لازم نبود یخچالش را با استفاده از برق خنک نگه دارد. من برای او بستنی‌هایش را خنک و تازه نگه می‌داشم و او دیگر پول برق نمی‌داد اینطوری پول بیشتری گیرش می‌آمد. من هم دیشب از غفلت شاگرد بستنی‌فروش استفاده کردم و از آنجا فرار کردم و آدمدم داخل بستنی تو. خواهش می‌کنم به من کمک کن و مرا به سرزمین یخها برگردان. پسر بچه گفت: «آخه من چه جوری می‌توانم به تو کمک کنم؟» فرشته‌ی یخی گفت: «امشب که خوابیدی من تو را در خواب به سرزمین یخها می‌برم و تو می‌توانی مرا در آنجا بگذاری.» پسر بچه، فرشته‌ی یخی را دوباره در جایخی گذاشت تا اینکه شب شد. او در کیسه‌ای مقداری یخ ریخت و فرشته‌ی یخی را داخل آن گذاشت و به اتفاقش برگشت. فرشته‌ی یخی گفت: سعی کن بخوابی. پسر بچه خوابید و در خواب دید وارد سرزمین سردی شده است که همه چیز آن مانند شیشه شفاف است. همه چیز آنجا آنطوری که فرشته تعریف کرده بود از یخ درست شده بود. پسر بچه خواست در کیسه را باز کند و فرشته‌ی یخی را بیرون بیاورد که صدایی از پشت سرشن گفت: «او مال من است و



پونتیاک گراند پری



تو او را از من دزدیده‌ای! پسر بچه با ترس پشت سرش را نگاه کرد و مردی را پشت سرش دید فرشته‌ی یخی سرش را از توی کیسه درآورد و گفت: «او مرد بستنی فروش است زود باش فرار کن و گرنه دوباره مرا به مغازه‌اش برمی‌گرداند.» پسر بچه شروع کرد به دویدن، فرشته‌ی یخی به او گفت: «از خواب بیدار شو.» پسر بچه از خواب پرید به فرشته‌ی یخی گفت: «متأسنم که نتوانستم تو را به سرزمینت برسانم.» فرشته‌ی یخی گفت: «ما شبها نمی‌توانیم به سرزمین یخها برگردیم چون مرد بستنی فروش هم در خواب به آنجا می‌آید، باید فکر دیگری بکنیم.» او کمی فکر کرد و گفت: «فهمیدم، تو باید ظهر بخوابی، چون مرد بستنی فروش ظهرها در مغازه است و نمی‌خوابد.» پسر بچه قبول کرد. وقتی ظهر شد پسر بچه خوابید و آنها دوباره به سرزمین یخها رفتند. این بار دیگر مرد بستنی فروش آنجا نبود. پسر بچه فرشته‌ی یخی را از کیسه درآورد و او را روی بلندترین قله کوه آنجا گذاشت. فرشته از پسر بچه خیلی تشكر کرد و گفت که او را هیچ وقت فراموش نمی‌کند و هر وقت دلش برای او تنگ شد پسر بچه می‌تواند به تکه‌ای یخ خیره شود آنوقت او را در آن تکه یخ می‌بیند. فرشته‌ی یخی از پسر بچه خواست وقتی که بیرون می‌رود دروازه‌ی شهر یخها را بندد و گفت: آنجا قفل و کلید یخی بزرگی است وقتی در را بستی آن را قفل کن و کلیدش را هم به دره‌ای که در همان نزدیکی است بینداز تا دیگر هیچ کس نتواند به سرزمین ما راه پیدا کند. پسر بچه قبول کرد. وقتی از سرزمین یخها بیرون آمد کاری را که فرشته گفته بود انجام داد و کلید یخی را در دره‌ی نزدیک آنجا انداخت. دره‌ای که انتها یاش معلوم نبود. پسر بچه از خواب بیدار شد و عصر آن روز به مغازه‌ی بستنی فروشی رفت. صاحب مغازه با ناراحتی پشت میزش نشسته بود و به نقطه‌ای خیره شده بود. پسر بچه از شاگرد بستنی فروش یک بستنی خواست. شاگرد بستنی فروش گفت: «یخچال‌هایمان خراب شده و تمام بستنی‌هایمان آب شده است.» پسر بچه از اینکه توانسته بود فرشته‌ی یخی را به سرزمینش برگرداند بسیار خوشحال بود.



نام خودرو: بیوک سنچری

کشور سازنده: کانادا

حداکثر سرعت: ۱۹۵ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دندۀ-اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در

تیکه تاک

امیر محمد لاجورد

از گذشته‌های بسیار دور انسان نیاز به دانستن وقت داشته است و برای این منظور دست به اختراعاتی زده است. ظرف مدرج سوراخ داری را با آب پر می‌کردند که آب قطره قطره از سوراخ کوچکی چکید و با توجه به مقدار آب خروجی، زمان تا حدودی معلوم می‌شد. این عملکرد ساعت آبی بود اما در ساعت خورشیدی، میله‌ای عمود بر سطح افقی نصب می‌شد و با اندازه‌گیری سایه آن میله، زمان را معلوم می‌کردند. ساعت شنی و ساعت شمعی نیز دو مورد از انواع ساعت‌های ابتدایی هستند. با پیشرفت علم و دانش به تدریج ساعتهای دقیق مکانیکی و الکترونیکی ساخته شدند و امروز سنجش زمان به صورت ساده‌ای برای تمام ما امکان‌پذیر شده است.

تقسیم می‌کنیم. یک دسته ساعتهای مکانیکی هستند. مکانیسم آنها در یک فنر تعريف ساده این است که نیرویی را در یک فنر انباسته می‌کنند و سپس با آزادسازی این نیرو به یک پاندول و یا چیزی شبیه آن حرکتی تناوبی ایجاد می‌کنند که این حرکت به چرخ دنده‌ها منتقل می‌شود و سپس عقربه‌ها به حرکت می‌افتد. این سیستم به دو نوع کوکی و اتوماتیک تقسیم می‌شوند. در نوع کوکی باید در دفعات مشخص ساعت خود را کوک کرد تا دوباره نیرو در فنر انباسته شود. در نوع اتوماتیک سیستمی در ساعت تعبیه شده که حرکتهای دست انسان را به نوعی برای کوک نمودن ساعت تبدیل می‌کند. دسته دیگر که امروزه بسیار متداول هستند ساعتهای الکترونیکی هستند. این دسته از ساعتها نیروی مورد نیاز خود را از طریق باتری تأمین می‌کنند و به دو نوع دیجیتال و آنالوگ تقسیم می‌شوند. مثالی از سیستم‌های نوع دیجیتال، ساعتهای دارای نمایشگر LCD هستند که

• لطفاً خودتان را معرفی کنید.

محمد رضا انوری منفرد، ۴ ساله، تعمیر کار ساعت.

• چند سال است که در این حرفه مشغول به کار هستید؟

بیشتر از سی سال است.

• تعمیر ساعت را از چه کسی یاد گرفتید؟

از ۱۲ سالگی وارد این حرفه شدم. شغل عمومیم تعمیر ساعت بود. هم‌زمان با درس خواندنم، بعد از ظهرها به مغازه او می‌رفتم و کار می‌کردم. این حرفه را به صورت خود به خودی یاد گرفتم. عمومیم به راحتی اجازه نمی‌داد تا به ساعتها دست بزنم، اما من تا آنجا که می‌شد از محیط و امکانات آنجا استفاده می‌کردم و با توجه به علاقه‌ای که به این کار داشتم خیلی به سرعت فوت و فن کار را یاد گرفتم.

• ساعت‌ها چند دسته‌اند؟

گذشته از اشکال مختلف آنها، ساعتها را به دو دسته



بیوک سنچری





• **تعمیر ساعت، کار ژریف و حساسی است، سخت است؟**

هر کاری به خودی خود می‌تواند سخت باشد اما اگر تبحر و تجربه کافی داشته باشیم آسان می‌شود. یکی از ویژگی‌هایی که داشتن آن در این حرفه الزامی است «حوالده» است. تعمیر ساعت با توجه به ظرافت و دقیقی که دارد، حوالده زیادی را می‌طلبد.

• **تا حالا ساعتی را برایتان آورده‌اند که نتوانید آنرا**

تعمیر کنید؟

به ندرت. مثلاً موردی بوده است که در اثر ضربه صفحه نمایش و قسمتی از داخل ساعت شکسته بود. در این جور موارد تعمیر ساعت به صرفه نیست.

• **درباره ابزار کارتان صحبت کنید.**

ابزار اصلی تعمیر ساعت ابزار ساده‌ای هستند. پس، آچاری برای باز کردن ساعت، چراغ مطالعه، ذره‌بین، یک اهم متر کوچک، ظروف شستشو و... اینها ابزار ابتدایی کار هستند. ابزار دیگری نیز هستند که در

زمان را به صورت نوشته روی صفحه خود نمایش می‌دهند. در سیستم‌های الکترونیکی آنالوگ، نمایش زمان مانند ساعتها مکانیکی توسط عقربه‌هاست.

• **تعمیر ساعتها الکترونیکی را از کجا بد شدید؟**

من کارم را در زمانی شروع کردم که ساعتها مکانیکی بودند. بعدها انواع ساعتها الکترونیکی به بازار آمد. حرفه ما ایجاد می‌کرد که تخصص لازم را در زمینه تعمیر آنها فرا بگیریم. حالا، برای من هیچ فرقی نمی‌کند که سیستم یک ساعت مکانیکی باشد یا الکترونیکی. البته کار به این سادگی نبود. مثلاً زمانی سیم‌پیچی کویل یک ساعت برای ما محال یا خیلی سخت بود. به مرور توانستیم این کار را انجام دهیم و حتی دوره‌ای بود که من در روز ۵۰۰ بوبین کویل ساعت می‌پیچیدم. این کار را با استفاده از دستگاهی انجام می‌دادم که خودم طراحی و ساخته بودم. توان این را پیدا کرده بودیم که بوبین هر نوع ساعت را پیچیم.



نام خودرو: بیوک لس‌ابر

کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۱۹۵ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دنده - اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در



ناخود آگاه خیلی وقتها چشم می‌افتد.

● کار کردن با چرخ دنده‌ها و دیگر قطعات کوچک

ساعت چشمان را خسته نمی‌کند؟

بالاخره تأثیر می‌گذارد. الان در خواندن و نوشتن خیلی مشکل دارم. فکرش را بکنید، مدت سی و چند سال است که هر روز مدت زیادی این ذره‌بین را به چشم گذاشته‌ام و به قطعات داخل یک ساعت خیره شده‌ام...

«ادامه دارد»

سطح بالاتری کاربرد دارند مانند دستگاه ویبروگراف که برای تنظیم ساعت‌های مکانیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا دستگاه شستشوی اتوماتیک ساعت.

● چه کنیم که ساعت‌مان دیرتر خراب شود؟

هر ساعت تعریفی دارد. ساعت‌هایی هستند که هم به آب و هم به ضربه مقاوم هستند و این در حالی است که بقیه ساعتها این ویژگی‌ها را ندارند. پس بستگی به نوع ساعت دارد. اما بطور کلی باید آنرا از رطوبت دور نگه داریم و مواطن باشیم که به آن ضربه نخورد. صفحه نمایش LCD بسیاری از ساعتها دیجیتال نیز نسبت به نور و حرارت ناشی از تابش مستقیم آفتاب حساس هستند.

● تیک تاک چیست؟

در یک تعریف ساده، حرکت رفت و برگشت پاندول ساعت که اگر این دو کاملاً با هم برابر باشند به این معنی است که ساعت به طور دقیق در حال کار کردن است.

● در خیابان و یا در میهمانی‌ها، به ساعت دست مردم نگاه می‌کنید؟





آنجو در باره چا «صلوپ نیسم» ۵۰ خواستیج بدانید



- اردیبهشت ۱۹۴۸ میلادی: ساعت ۴ بعد از ظهر، دولت غاصب اسراییل اعلام موجودیت کرد و ساعت ۱۰ شب همان روز، آمریکا آن را به رسمیت شناخت.
- ۱۹۴۹ میلادی: سازمان ملل متحد، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت.
- ۱۹۶۹ میلادی: مسجدالاقصی توسط صهیونیست‌ها به آتش کشیده شد.
- ۱۹۸۲ میلادی: ارتش رژیم اشغالگر قدس، آرام آرام، جنوب لبنان را اشغال کرد.
- سپتامبر ۱۹۸۲ میلادی: صهیونیست‌ها به کمک گروهی که مسیحیان «مارونی» نام داشتند، ساکنان اردوگاه‌های «صبرا» و «شطیلا» در غرب بیروت را قتل عام کردند.
- پاییز ۱۹۸۲ میلادی: قیام مردمی (انتفاضه) در سرزمین‌های اشغالی آغاز شد.
- اردیبهشت ۲۰۰۰ میلادی: حزب‌الله لبنان، صهیونیست‌ها را به صورت مفتضانه‌ای شکست داد و از جنوب لبنان بیرون راند.

تاریخ تکاری فلسطین

- ۱۹۱۸ میلادی: سراسر فلسطین، توسط ژنرال یهودی‌الاصل به نام «النبي» اشغال شد.
- ۱۹۲۰ میلادی: پس از پایان جنگ جهانی اول، برخلاف میل فلسطینی‌ها، سرپرستی سرزمین فلسطین به انگلستان واگذار شد.
- ۱۹۴۷ میلادی: سازمان ملل طرحی را تصویب کرد که با تصویب آن حضور صهیونیست‌ها در خاک فلسطین رسمی می‌شد.
- ۱۹۴۸ میلادی: سرپرستی انگلستان بر فلسطین به پایان رسید، اما رژیم اشغالگر قدس در این فاصله، حکومتی ایجاد کرده بود که از آن زمان تاکنون بر فلسطین حکومت می‌کند.
- فروردین ۱۹۴۸ میلادی: در روستای «دیریاسین» فلسطین، قتل عام وحشتناکی توسط گروه‌های تروریستی صهیونیستی به رهبری «مناخیم بگین» و «اسحاق شامیر» انجام شد. در این فاجعه، ۴۵ زن و کودک و مرد و جوان فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند.

- | |
|------------------------------------|
| ● نام خودرو: بیوک پارک اوونیو |
| ● کشور سازنده: آمریکا |
| ● حداکثر سرعت: ۲۲۰ کیلومتر در ساعت |
| ● انتقال نیرو: ۴ دندنه - اتوماتیک |
| ● مشخصات کلی بدن: ۴ در |



○ جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی

○ جنگ شش روزه ۱۷ خرداد ۱۳۴۶ هجری شمسی:

در این سال، رژیم اشغالگر قدس، مشکلات زیادی پیش روی خود داشت. جمعیت بیکاران و یهودیانی که می‌خواستند از اسرائیل خارج شوند زیاد شده بود و تنها یک جنگ پیروزمندانه می‌توانست این مشکلات را برطرف کند. با این جنگ،



بسیجی در سرزمین اشغالی صورت می‌گرفت که هم‌بیکاری را درمان می‌کرد و هم کمک‌های مالی آمریکا به رژیم صهیونیستی بیشتر می‌شد. صهیونیست‌ها ۱۶ سال به دنبال اجرای این طرح جنگی بود. سرانجام هواپیماهای آنها در ۱۷ خرداد سال ۱۳۴۶ برابر ۵ ژوئن ۱۹۶۷، بدون اعلام جنگ، هواپیماهای مصر را در فرودگاه نابود کردند. سپس به طور برق آسا نیروهای صهیونیستی به سه کشور سوریه، اردن و مصر حمله کردند و ارتش آنها را شکست سختی دادند. مناطق زیادی توسط آنها اشغال شد و خسارت‌های جانی و مالی زیادی به اعراب وارد آمد. پس از این جنگ بود که حمایت از فلسطین شکل جدیدی به خود گرفت و «ادبیات مقاومت» توسط نویسندهای مختلف، به وجود آمد.

○ شهدای فلسطین

بر شاخه‌های نخلم بیاویزید
و مرا دار زنید، نخل را خیانت نخواهم کرد
این سرزمین من است ...

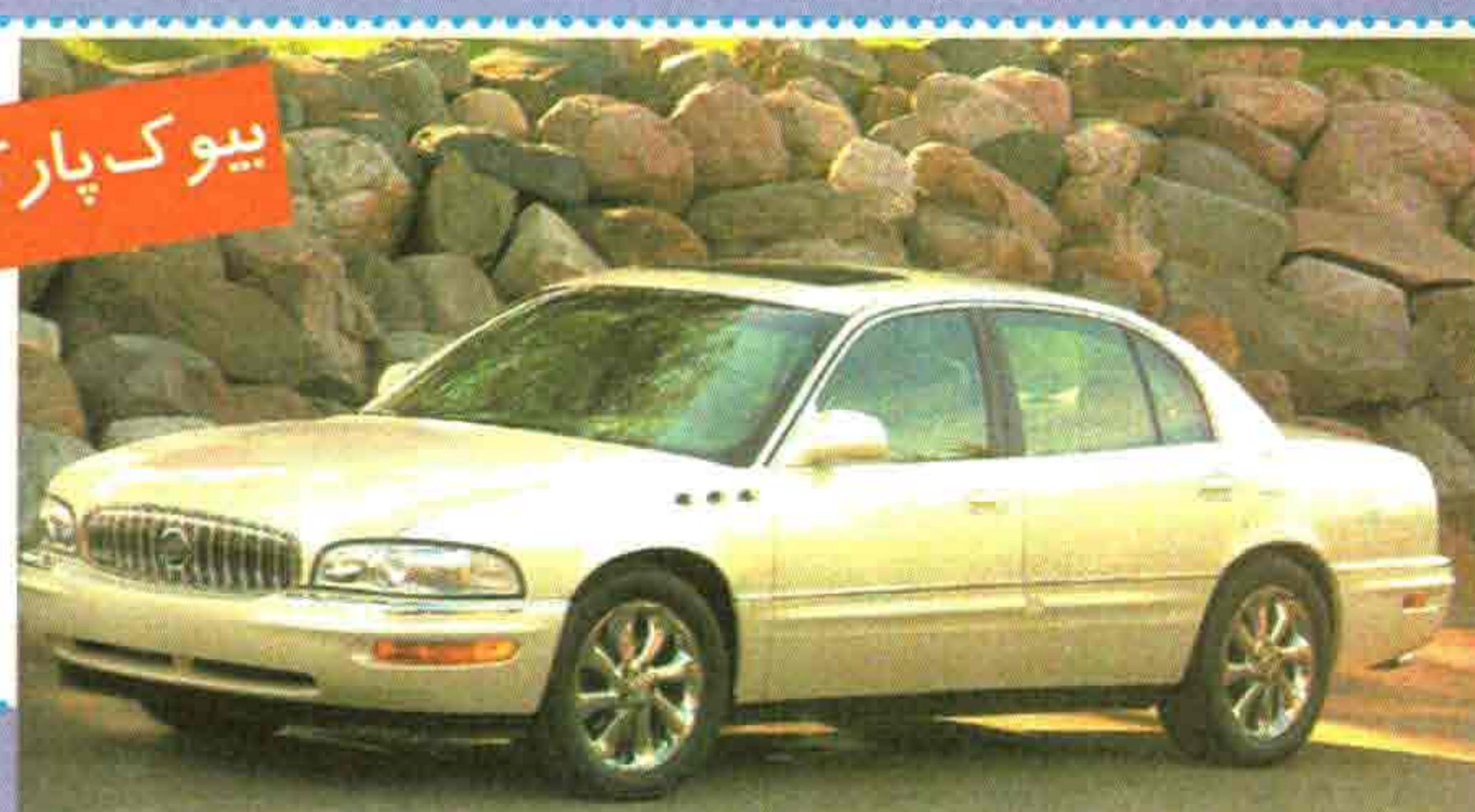
بخشی از شعر محمود درویش، شاعر معاصر عرب

○ شیخ عزالدین قسام



عزالدین قسام در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ که در آن، صهیونیست‌ها شروع به تشکیل گروههای تروریستی کرده بودند؛ تصمیم گرفت با همراهانش، عملیات نظامی بر علیه صهیونیست‌ها را آغاز کند. هدف او اعتماد به نفس و رواج دادن روحیه‌ی قیام مسلحانه بود. سلسله حوادثی باعث شد تا او نتواند نهضت خود را مخفی نگه دارد. بنابراین در پاییز سال ۱۹۳۵ میلادی، در گیری سختی بین مبارزان عزالدین قسام و نیروهای صهیونیستی و انگلیسی به وقوع پیوست که طی آن شیخ عزالدین قسام به شهادت رسید. اهمیت کار او در این است که با این کار، مقدمه انقلاب مسلحانه بر علیه صهیونیست‌ها شکل گرفت.

بیوک پارک اوینو





دوربین‌های «پولاروید»

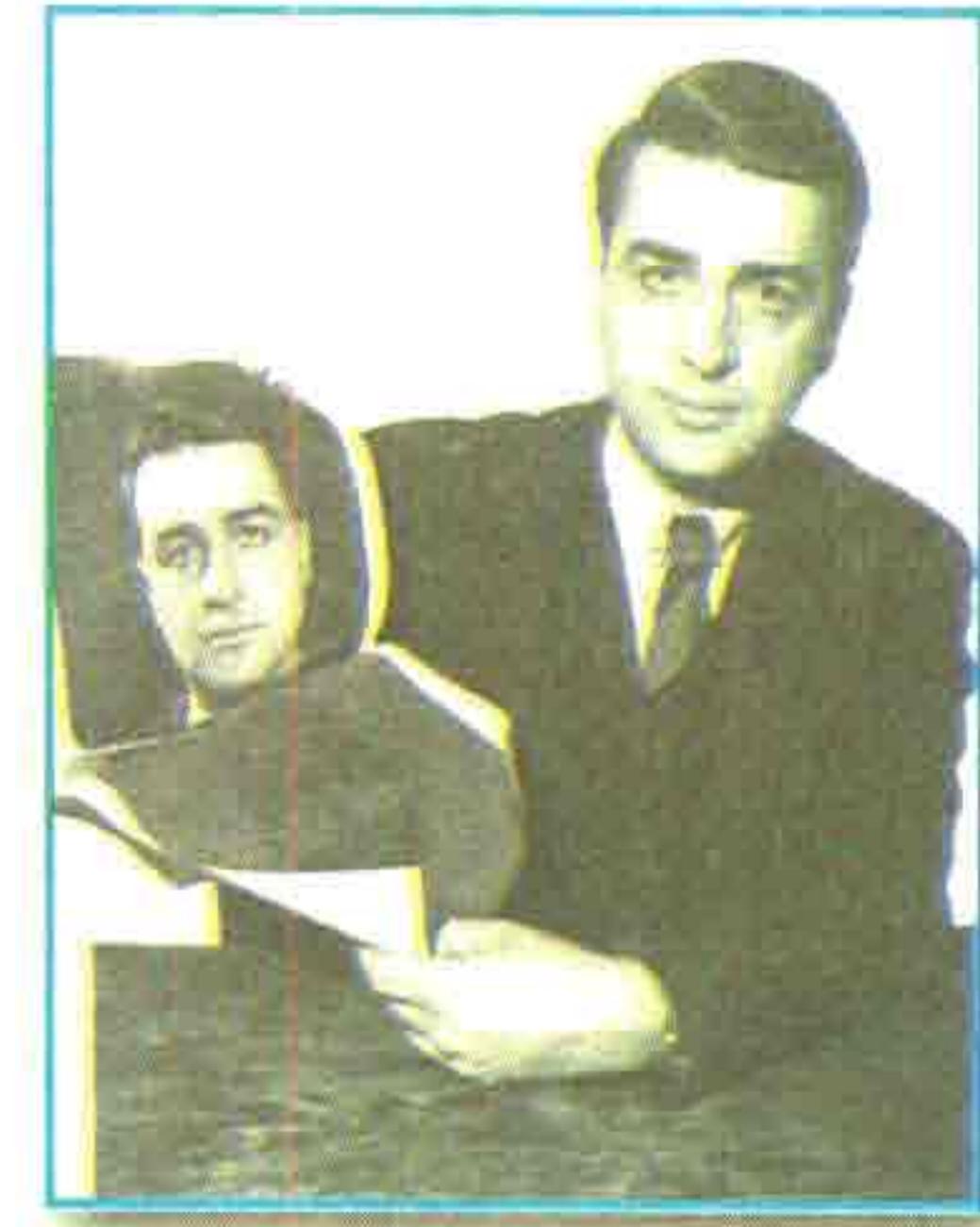
تا قبل از اینکه دوربین‌های دیجیتال به وجود بیایند، یکی از مشکلات عکاسان، مدت زمان بین عکسبرداری از موضوع و چاپ آن بود. این زمان، علاوه بر اینکه گاهی طولانی می‌شد، هزینه‌هایی نیز از جهت مواد شیمیایی برای ظهور و چاپ عکس دربرداشت. اختراع دوربین پولاروید که لحظاتی پس از عکسبرداری، تصویر را چاپ شده بر روی کاغذ، عرضه می‌کرد، انقلابی در دنیای نور و رنگ یا همان هنر عکاسی به حساب می‌آمد.



••• اولین دوربین پولاروید مدل ۹۵ که در سال ۱۹۴۸ میلادی به بازار آمد. بعد از عکاسی، کاغذی از درون دوربین بیرون می‌آمد. عکاس، پس از لحظاتی صبر کردن، با برداشتن روکش کاغذ، عکس گرفته شده را می‌دید.



••• پایه‌گذار عکاسی پولاروید، دکتر «ادوین لند» نام دارد. او به آرزوی دخترش جامه‌ی عمل پوشید که خواسته بود؛ کاش راهی پیدا می‌شد تا عکاسان پس از عکاسی، عکس خود را بر روی کاغذ می‌دیدند. چهار سال بعد در سال ۱۹۴۸ میلادی، دکتر لند دروین مخصوصی ساخت که می‌توانست لحظاتی پس از عکاسی، تصویر را چاپ کند.



- نام خودرو: بیوک رینر
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۱۹۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۴ دنده - اتوماتیک
- مشخصات کلی بدن: ۴ در



اولین عکس‌های پولاروید، به شیوهٔ سیاه و سفید چاپ می‌شدند. این عکس‌ها و دوربین‌ها،



در مناطقی مانند «تبت» که تا سال‌ها ارتباطی با دستاوردهای فناوری مغرب زمین نداشتند، با تعجب نگریسته می‌شد.

با وجود رواج دوربین‌های دیجیتال، هنوز دوربین پولاروید وجود دارد. شرکت فوجی در سال ۱۹۹۸ میلادی، دوربین کوچک پولارویدی عرضه کرد که تصاویر آن به اندازهٔ یک کارت کوچک است.



مهمترین دوربین پولاروید که سر و صدای زیادی در جهان به پا کرد، در سال ۱۹۷۲ میلادی با نام SX-70 به بازار معرفی شد. پس از هر بار عکاسی، دوربین به طور خودکار، کاغذ سفیدی را بیرون می‌داد که لحظاتی با برداشتن روکش آن، تصویر رنگی، چاپ شده بر روی کاغذ در اختیار عکاس بود.



عکس پولاروید
گرفته شده



عدسی‌های
تاشو

پس از اینکه عکس از دوربین پولاروید بیرون می‌آید، هر گونه فشار و دستکاری با وسایلی مانند قاشقی، خودکار، آچار و... سبب خراشیدگی و خراب شدن تصویر می‌شود. البته بعضی هنرمندان با دستکاری مختصر در چنین عکس‌هایی، سعی کردند آثار هنری مخصوصی تولید کنند.



بیوک رینر



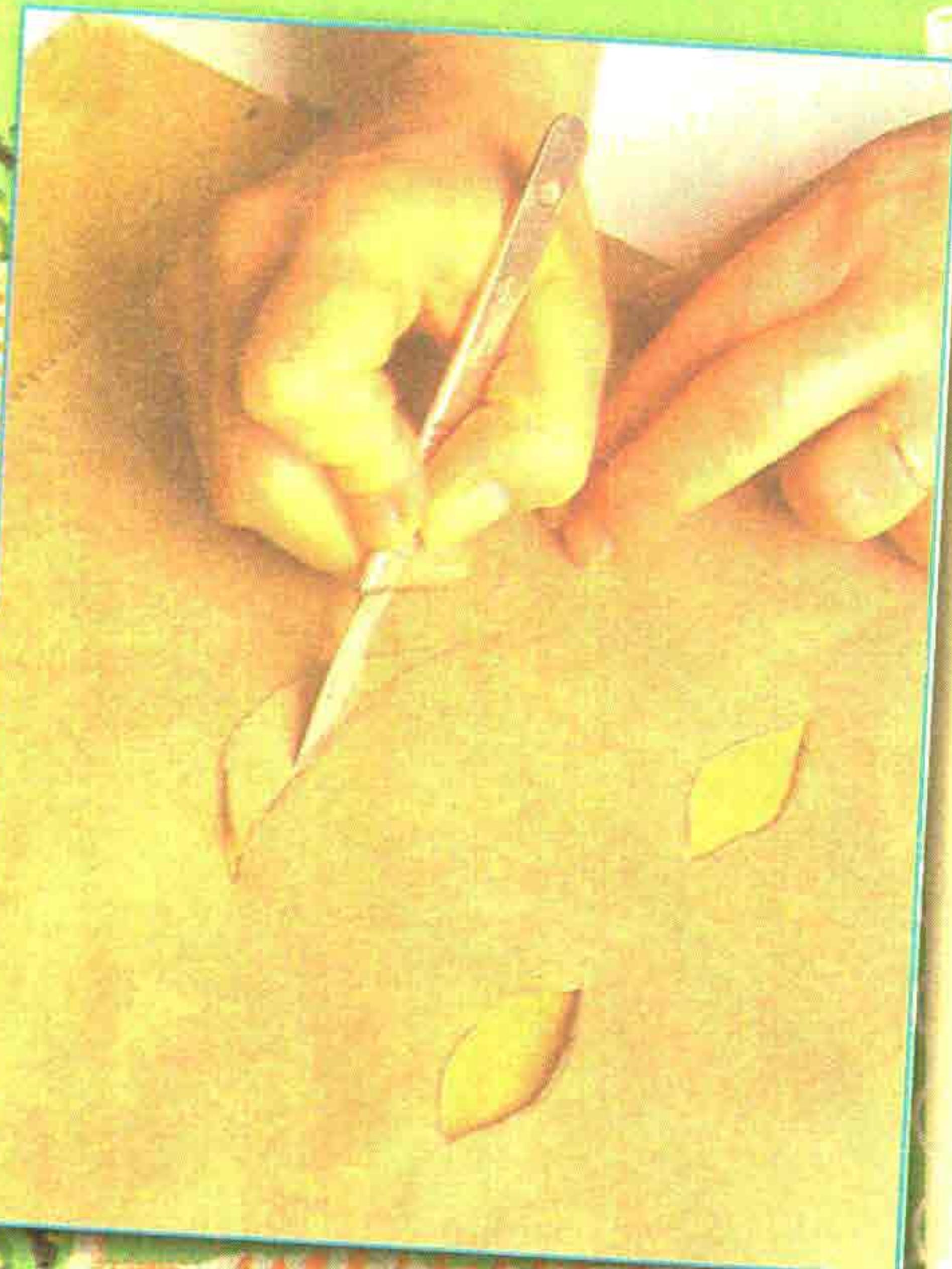
وسایل مورد نیاز:

• پاکت‌های کاغذی بزرگ
(یادتان باشد این پاکت‌ها حتماً
باید آنقدر بزرگ تهیه شود که
از زیر آن هوا نفوذ کند و خطر
خفگی برای شما ایجاد نشود)

- چسب
- تیغ موکت‌بُری (برای استفاده
از بزرگ‌ترها کمک بخواهید)
- رنگ مشکی و قرمز
- موارد تزیینی مثل روبان‌های
باریک، کاغذکشی، نوارهای
باریک کاغذی و...)

روش کار:

۱. نخست (با کمک بزرگ‌ترها) پاکت کاغذی را روی سر بکشید و با مداد جای چشم و دهان را مشخص کنید. از بزرگ‌ترها بخواهید با کمک تیغ، چشم و دهان را روی لایه‌ای اول پاکت ببرند و جای آن را ایجاد کنند. برای برش دادن می‌توانید یک تکه مقوای ضخیم داخل پاکت فرو ببرید تا موقع بُرش، لایه زیرین پاکت ببریده نشود. حالا با رنگ دور چشم‌ها و لب‌ها را خط بکشید. ابرو بگذارید. حتی می‌توانید گونه‌یا چین و چروک هم به کار اضافه کنید (پیشنهاد می‌کنیم برای بهتر تنفس کردن، برای ماسک جای بینی را هم شکاف دهید).



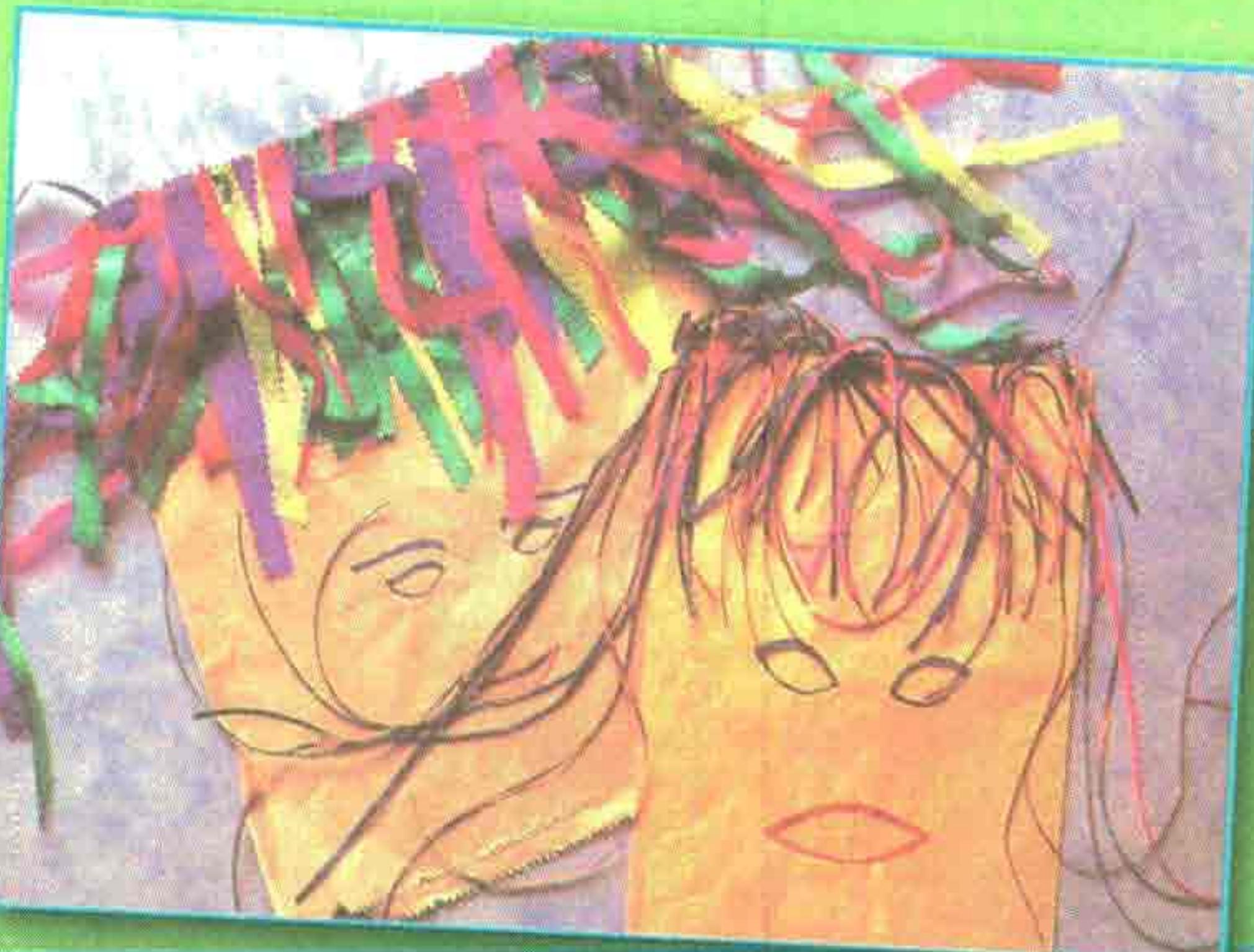
نام خودرو: بیوک لاکروز

کشور سازنده: آمریکا

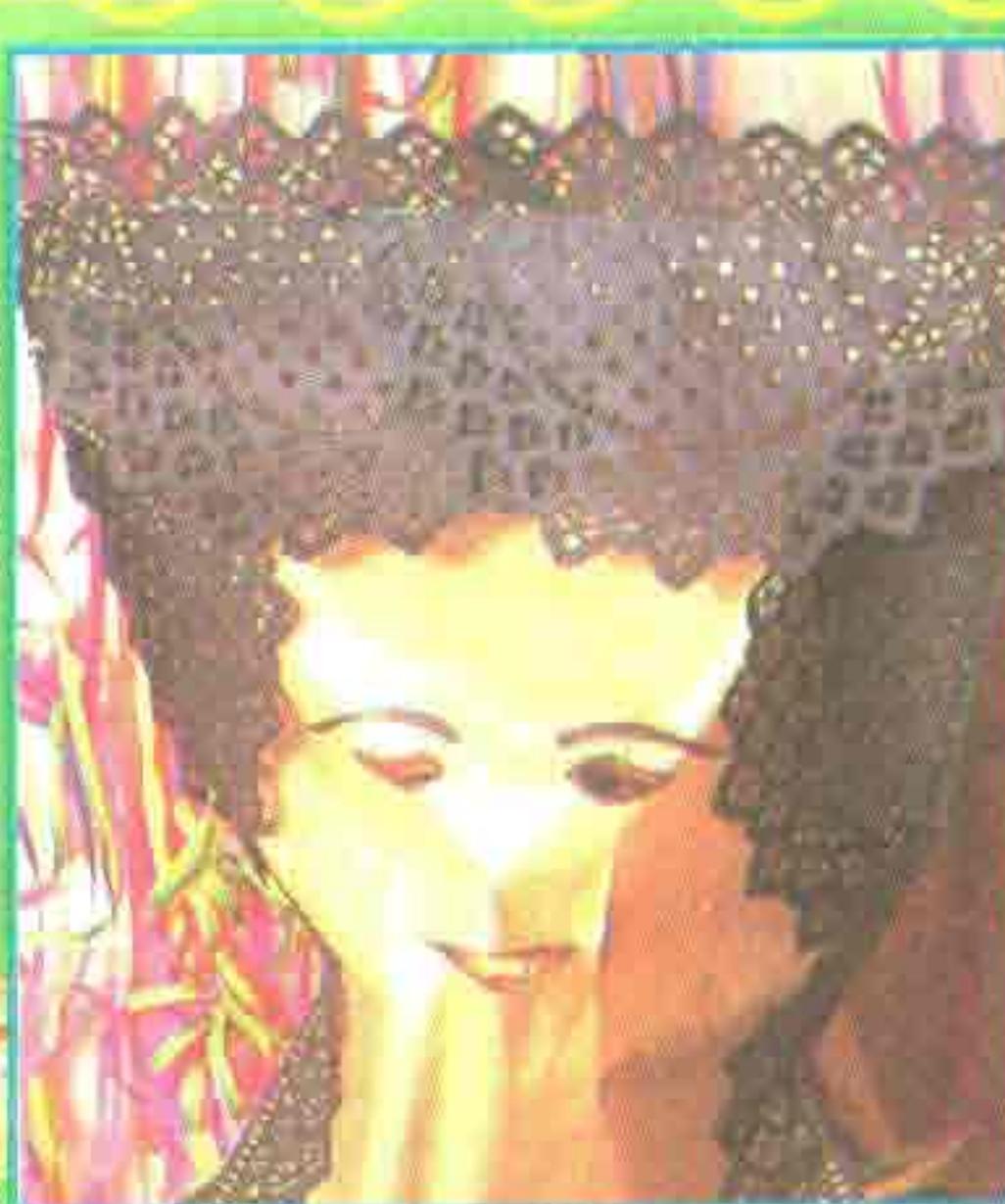
حداکثر سرعت: ۲۲۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دندنه-اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در



۲. حالا نوبت مو گذاشتن است که برای این کار می‌توانید از انواع موها استفاده کنید. یا روبان‌های رنگی به جای مو بچسبانید. یا کاغذهای رنگی را به صورت نوار ببرید و بچسبانید. حتی می‌توانید روبان را حالت موج و فر بدھید و بچسبانید. حتی نوارهایی از کاغذ کشی که دورتا دور آن با قیچی زیگزاگ بریده شده، می‌تواند به جای مو چسبانده شود. این تنوع در موها، به شما امکان می‌دهد ماسک‌های متفاوتی داشته باشید.



بیوک لاکروز

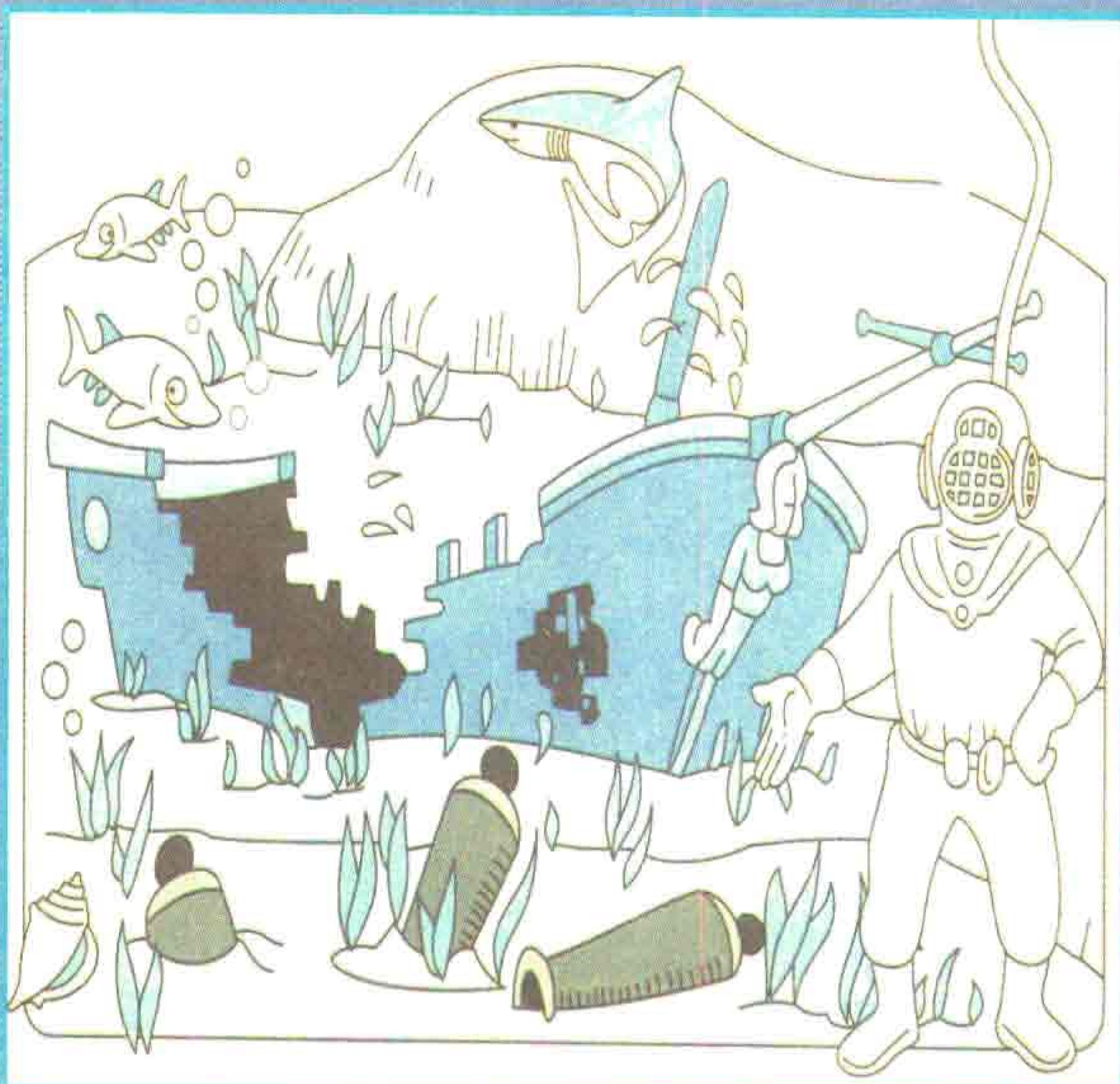
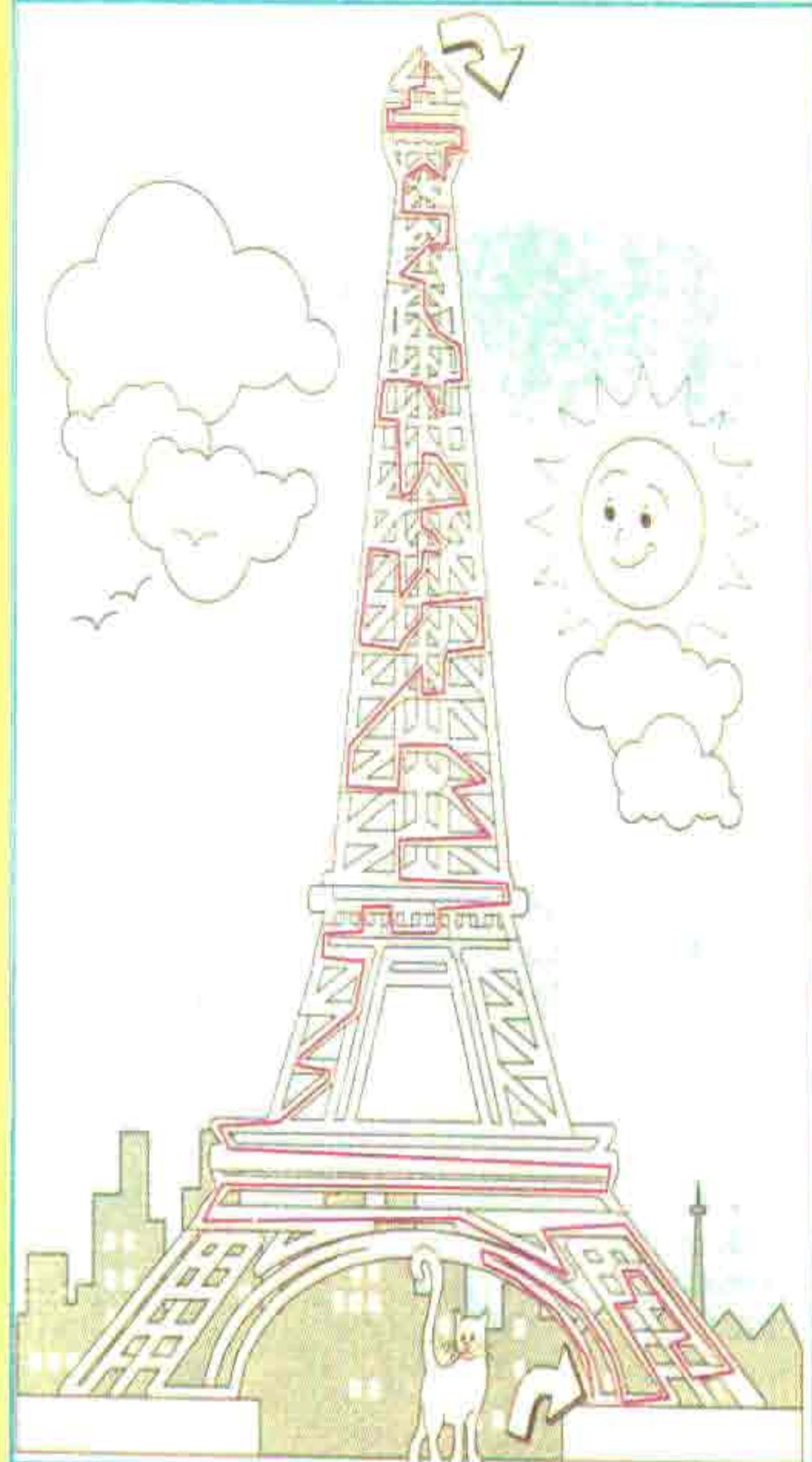




کشته شکسته

آیا می‌توانید ۱۲ تفاوت میان این دو تصویر را پیدا کنید؟ پس معطل نکنید! قلم بردارید و این تفاوت‌ها را علامت بزنید.

پاسخ سرگرمی شماره گذشته:
کجا حادثه اتفاق



- نام خودرو: بیوک رندیوس
- کشور سازنده: آمریکا
- حداقل سرعت: ۱۸۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۴ دنده-اتوماتیک
- مشخصات کلی بدنه: ۴ در



دانان سهرآمیز

طوان: بابک قویبه
دنگ: بهزاد قویبه

قسمت چهارم

داشتم از ترس سکته می کردیم و هیچ راه فراری نداشتیم ،



بیوک رندیوس





- نام خودرو: کادیلاک CTS
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۲۴۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۵ دنده اتوماتیک - ۵ دنده دستی
- مشخصات کلی بدنه: ۴ در

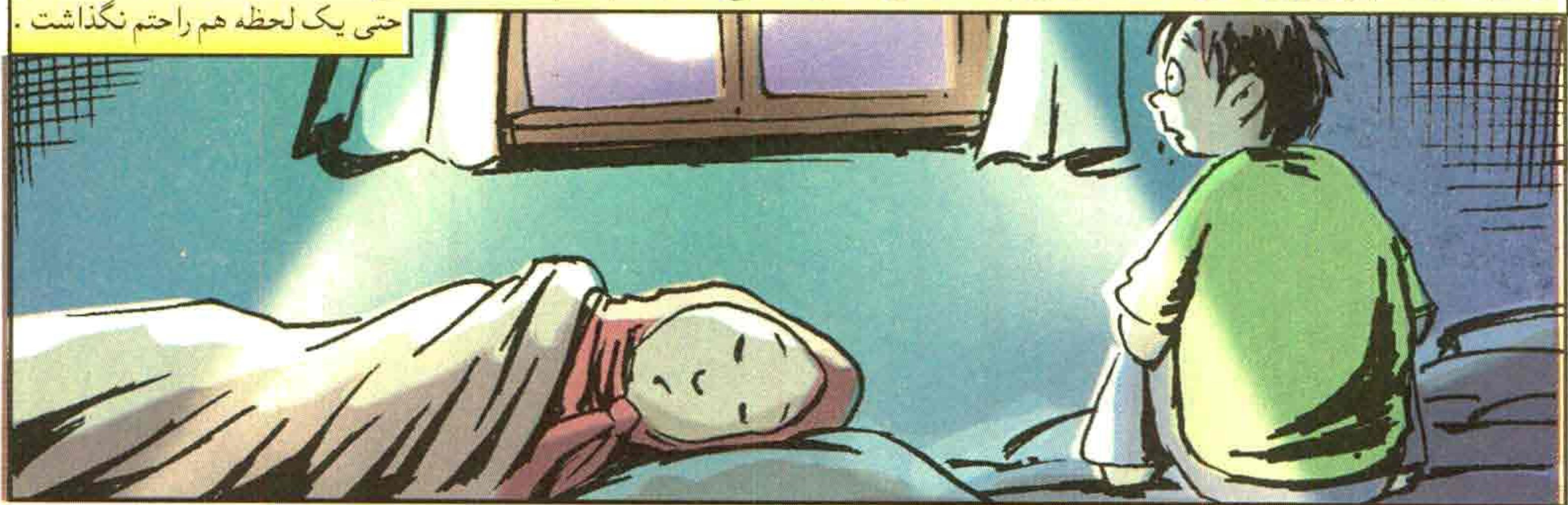




کادیلاک CTS



آن شب سارا تا سریش را روی بالش گذاشت خوابش برد ، درحالی که من تا صبح خواب به چشم نیامد و تا صبح فکرو خیال های عجیب و غریب حتی یک لحظه هم راحت نگذاشت .



و اما در زیرزمین خانه ...



بچه ها جریان چیه ؟ هفته بعد ادامه داستان را ببینید ...

نام خودرو: کادیلاک دویل

کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۲۱۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۶ دنده - اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در





جدول مستطیلی

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶

پاسخ جدول شماره گذشته

جدول پلخانی

۶	۵	۴	
۱	۲	۳	۴
ک	ا	ل	
ش			
د	ن	ف	
ه	ر	د	
	ب		
	ی	غ	
ر	ث	ه	م

افقی

- بعض‌ها از آن کوه‌می‌سازند - طول عمر.
- غوزه‌ی پنبه - تیره و تار.
- ماه‌زمستانی.
- ترشی سفره‌ی هفت سین.

عمودی

- غذای گیاه.
- غذای بیمار.
- مروارید درشت.
- محصول کار قناد.
- آب بند.
- قیمت و بهای چیزی.

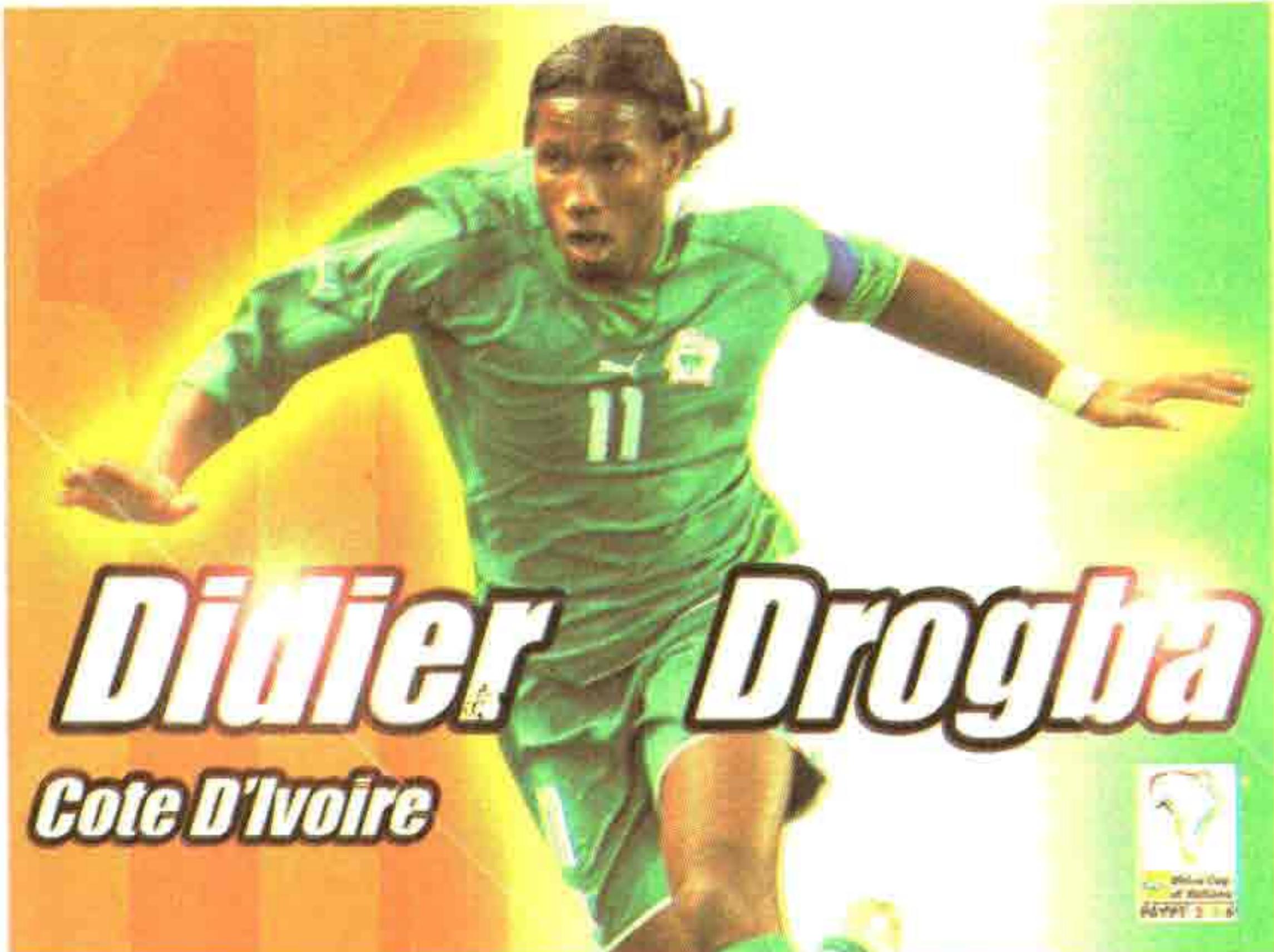
کادیلاک دویل





خواندنی هایی از جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان • خواندنی هایی از جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان •

کا شناسان فیفا (فدراسیون جهانی فوتبال)، در هر بازی انجام شده در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان بازیگنی را به عنوان ستاره برگزیده اند که چهره‌ی برتر میدان آن بازی بوده است. آنها این ستاره‌ها را با دادن ۴ یا ۵ ستاره، معرفی کرده‌اند:



◀◀ بازی آرژانتین - ساحل عاج: دیدیه دروگبا

هرچند در پایان این دیدار، خاویر ساویولا، بازیکن برتر میدان معرفی شد اما کاپیتان تیم ساحل عاج با ۴ ستاره می‌تواند بهترین بازیکن این دیدار معرفی شود. دروگبا اگر با سه یا چهار بازیکن دیگر همتراز خود در تیمش همراه بود، می‌توانست در دسرهای بزرگی برای تیم پرستاره آرژانتین درست کند.

◀◀ بازی برزیل - کرواسی: کاکا

در این دیدار، کاکا، هافبک هجومی تیم برزیل بهترین بازی خود را ارایه کرد. از این بازی به بعد، دیگر هیچ نوع درخشش و خلاقیتی از کاکا دیده نشد. گل کاکا برابر کرواسی نقطه اوج بازی او در جام جهانی هجدهم بود.



نام خودرو: کادیلاک اسکالاد

کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۱۷۷ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دندنه - اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ و ۵ در



مسابقه‌ورزشی ۲۵



«ب»



«الف»

صحنه‌ی یکی از مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان را می‌بینید.

۱- دو بازیکنی که در تصویر می‌بینید چه نام دارند؟

۲- موقعیت توپ در تصویرهای «الف» و «ب» متفاوت است. کدامیک از تصویرهای «الف» یا «ب» موقعیت درست توپ را نشان می‌دهند؟

پاسخ‌های خود را به نشانی مجله ارسال کنید. روی پاکت حتماً بنویسید: «مربوط به مسابقه‌ی ورزشی ۲۵۱»، تا در قرعه‌کشی مسابقه شرکت داده شوید.



▶▶ بازی صربستان-هلند: آرین روین

روبن چپ‌پا، در تمام مدت دیدار صربستان-هلند، خط دفاعی صربها را مورد آزار و اذیت قرار داد. گل دیدنی او در دقیقه ۲۶ بازی باعث شد تا هلندی‌ها سه امتیاز دیدار را از آن خود کنند. علاوه بر این او چند بار دیگر نیز فرصت گلزنی داشت که شانس و اقبال با او همراه نبود.

▶▶ بازی ایتالیا-غنا: آندره پیرلو

در این دیدار یکی از کارشناسان فوتبال، بازی پیرلو را بهترین بازی ایتالیایی‌ها در آن دیدار دانست. از این بازی به بعد درخشش پیرلو در میدان بازی آنچنان بود که به همراه سایر لاجوردی‌پوشان، تیم ایتالیا به قهرمانی جام ۲۰۰۶ آلمان رسید.



کادیلاک اسکالاد



یک نوبت پیک سید



* ستارگان MVP *

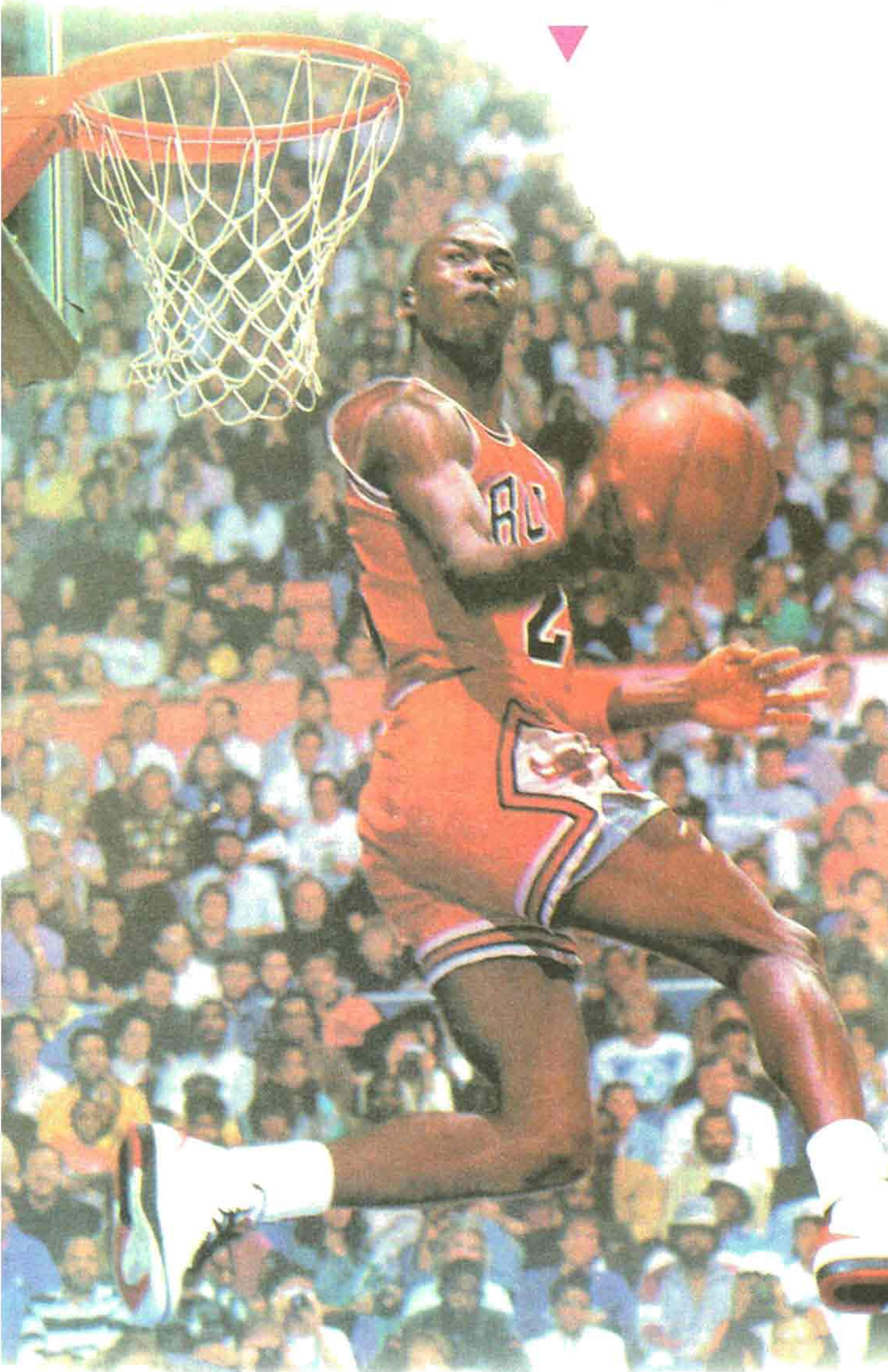
مسابقات بسکتبال NBA، بخشی به نام MVP دارد که در آن به ستارگان برتر این ورزش که به معیارها و موازین خاصی در بسکتبال دست یافته‌اند؛ جوایزی اهدا می‌شود. MVP از سال‌های دهه‌ی ۵۰ میلادی جایزه خود را به بسکتبالیست‌های NBA اهدا می‌کند.

◀ یکی از نامآورترین بسکتبالیست‌هایی که MVP را تاکنون به خود اختصاص داده است، «مجیک جانسون» نام دارد. او در سال ۱۹۹۲ این عنوان را به دست آورد.

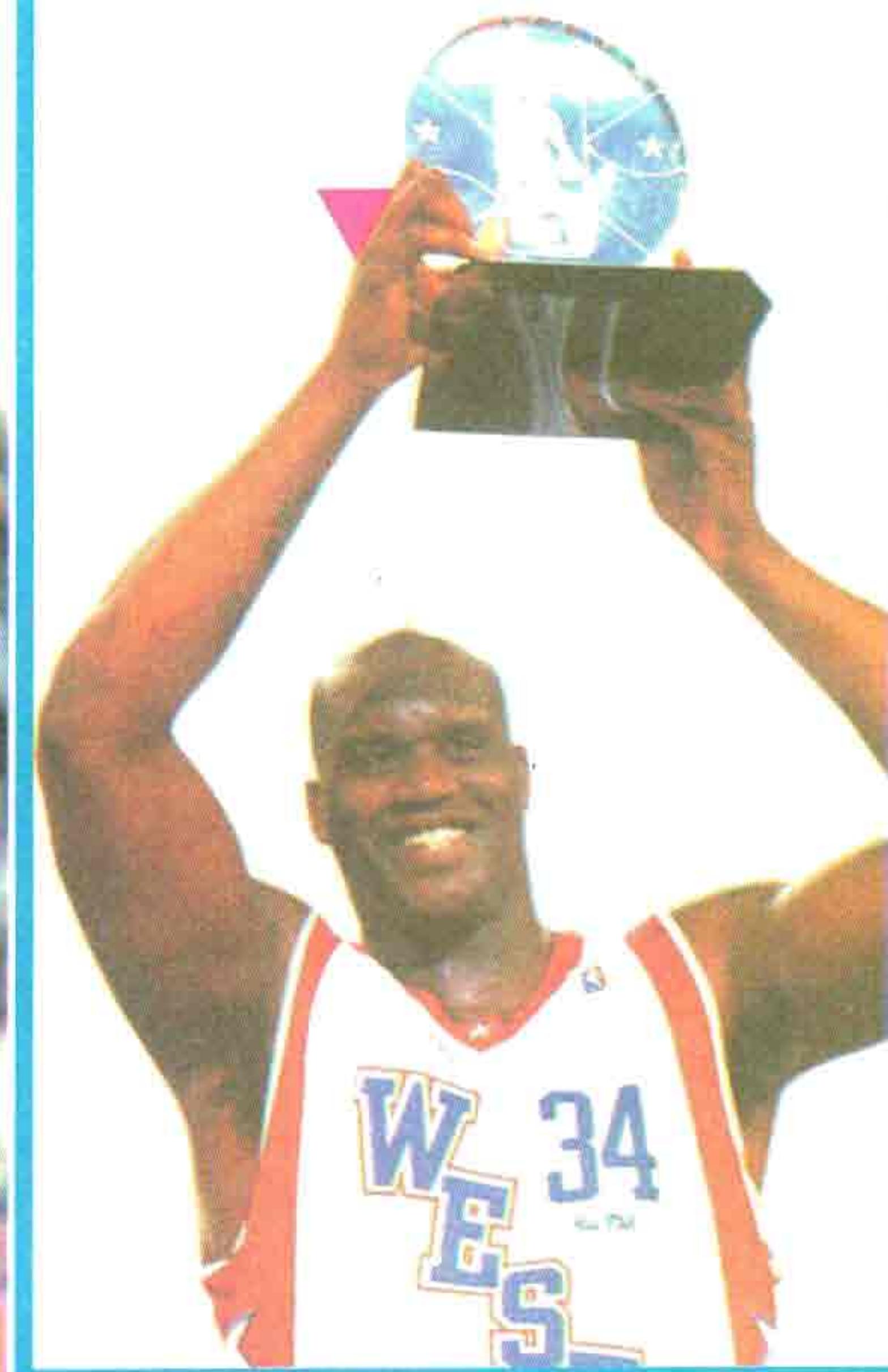
- نام خودرو: کادیلاک STS
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۲۲۵ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۵ دنده-اتوماتیک
- مشخصات کلی بدنه: ۴ در



یکی از برترین های بسکتبال که حرکات فانتزی مخصوصی به خود، به نمایش می‌گذارد، «مایکل جوردن» نام دارد.



«شکیل اونیل» برترین ستاره‌ی میدان بسکتبال حرفه‌ای در سال ۴۰۰ میلادی





داستان «شاعر و آفتاب» نوشتہی «سیروس طاهباز» است. این داستان ابتدا در سال ۱۳۴۷ چاپ شد و تاکنون نیز چندین بار تجدید چاپ شده است. سیروس طاهباز بیشتر به عنوان گردآورنده آثار پراکنده‌ی به جا مانده از نیما یوشیج، پدر شعر نو؛ شناخته شده است. در این شماره برای آشنایی شما با نوع داستان نویسی طاهباز، بخشی از قصه‌ی شاعر و آفتاب را انتخاب کرده‌ایم که با هم می‌خوانیم.



- نام خودرو: کادیلاک SRX
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۲۳۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۵ دنده-اتوماتیک
- مشخصات کلی بدن: ۴ در



شاعر ۹ آفتاب

سیروس طاهباز

پسر
به کوه می‌رفت.
دوستش، خرگوش سفید،
پیش از او می‌دوید و خروس
دنبال آنها بال بال می‌زد و با پاهای کوچکش، تند و
تُند، از دامنه‌ی کوه بالا می‌آمد.
پسر می‌خواست خودش را به آن بالا بالاهای کوه
برساند.

با دستهای کوچکش، آفتاب را
بگیرد و به خانه‌شان ببرد.
آفتاب که بود،
خانه‌شان قشنگ بود.
آب، آبی بود. درخت،

کادیلاک SRX



سبز بود. سنگ، سفید بود... هر چیزی به رنگ خودش بود.
با آفتاب همه چیز بیدار می شد:

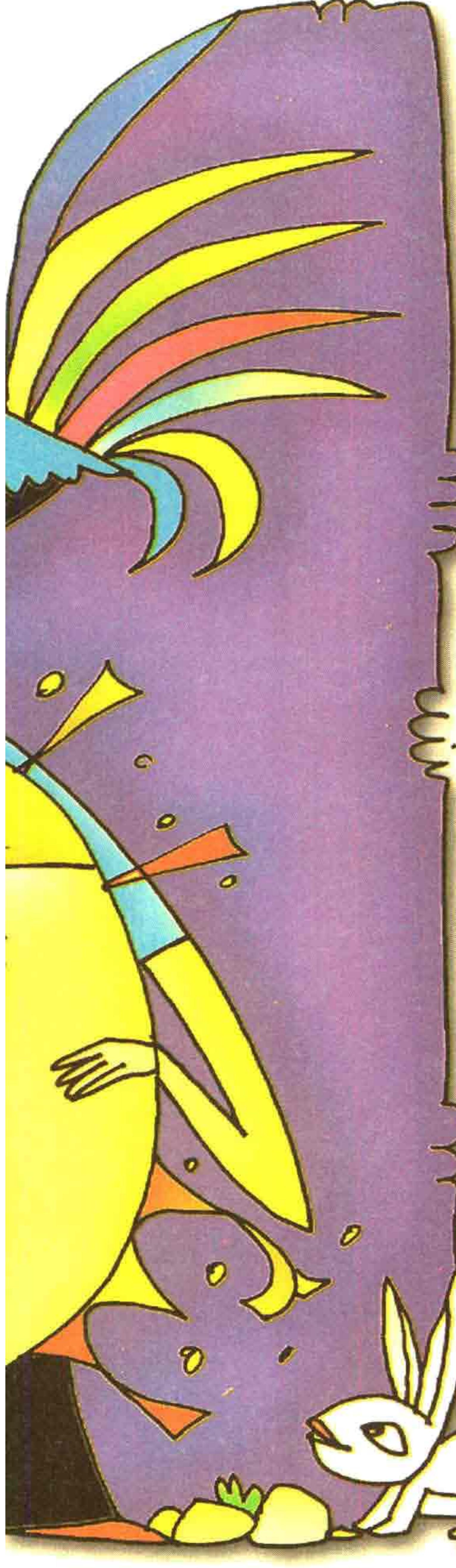
خروس می خواند و همه‌ی آدمها و بره‌ها و خرگوشها
و پرنده‌ها از صدایش بیدار می شدند. دوستش، خرگوش،
دوان دوان خودش را از جنگل به خانه می رساند. گوشهای
بلند سفیدش را می جنباند. پسر جلو می دوید و با خوشحالی
نگاهش می کرد و به پشتیش که گرم بود، دست می کشید.
پسر، پرنده‌ها را دوست داشت، آواز بیداری شان را
دوست داشت، پرواز شان را دوست داشت و رنگ پرهایشان
را در آفتاب.

پسر، آفتاب را دوست داشت، آفتاب را از همه بیشتر
دوست داشت. با آفتاب می توانست ببیند، بشنود و بخواند.
آفتاب که می رفت، خروس به لانه اش بر می گشت و
خرگوش به جنگل می دوید. کلاع‌ها می آمدند. پرنده‌ها
می ترسیدند و دیگر آواز نمی خواندند.

آفتاب که می رفت، هوای تاریک می شد، زمین سیاه می شد،
درخت سیاه می شد، سنگ، سیاه می شد. همه چیز سیاه
می شد. سیاه سیاه.

پسر، تاریکی را دوست نداشت.

در تاریکی چشمهاش رنگهای را نمی دید
و گوشهاش هیچ آوازی را نمی شنید. این
بود که می رفت می خوابید.



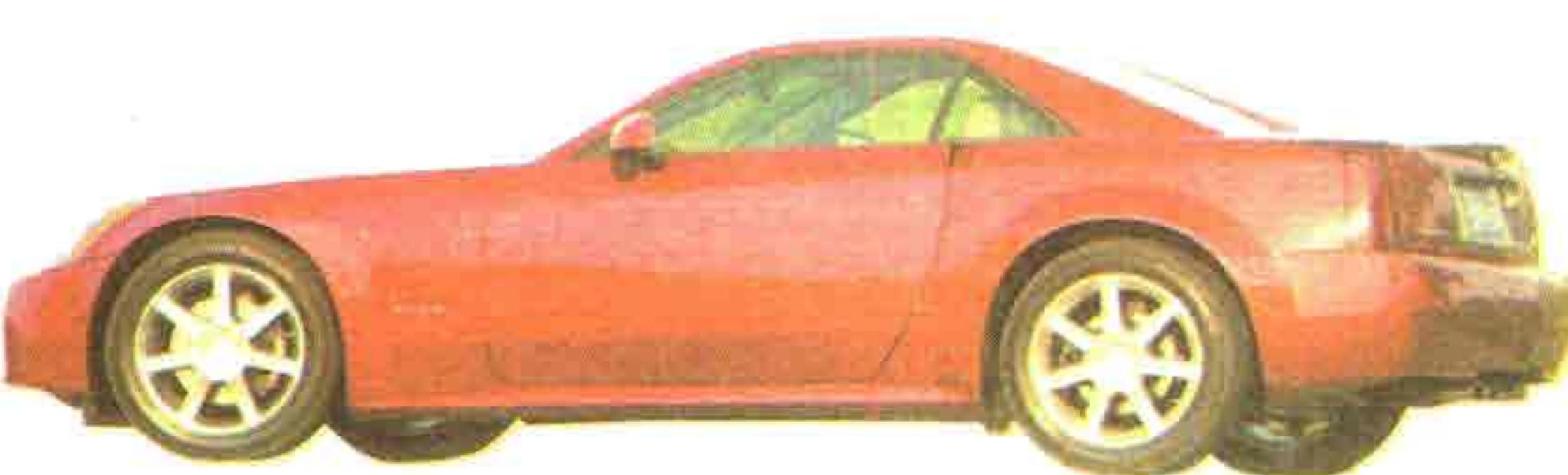
نام خودرو: کادیلاک XLR

کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۲۵۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۵ دنده - اتوماتیک

مشخصات کلی بدن: بدنه ضد آب - ۲ در



پسر، همیشه خواب می‌دید که بزرگ شده است و می‌تواند از کوه بلند بالا برود و آفتاب را بگیرد و به خانه‌شان بیاورد.

یک روز صبح زود، هنوز خروس آواز می‌خواند که پسر از خانه بیرون دوید. خرگوش که به خانه آمد، پسر رفته بود.

خرس به خرگوش گفت: «نمی‌دانم کجا رفت، اما از این راه رفت.» و راه کوه را نشان داد.

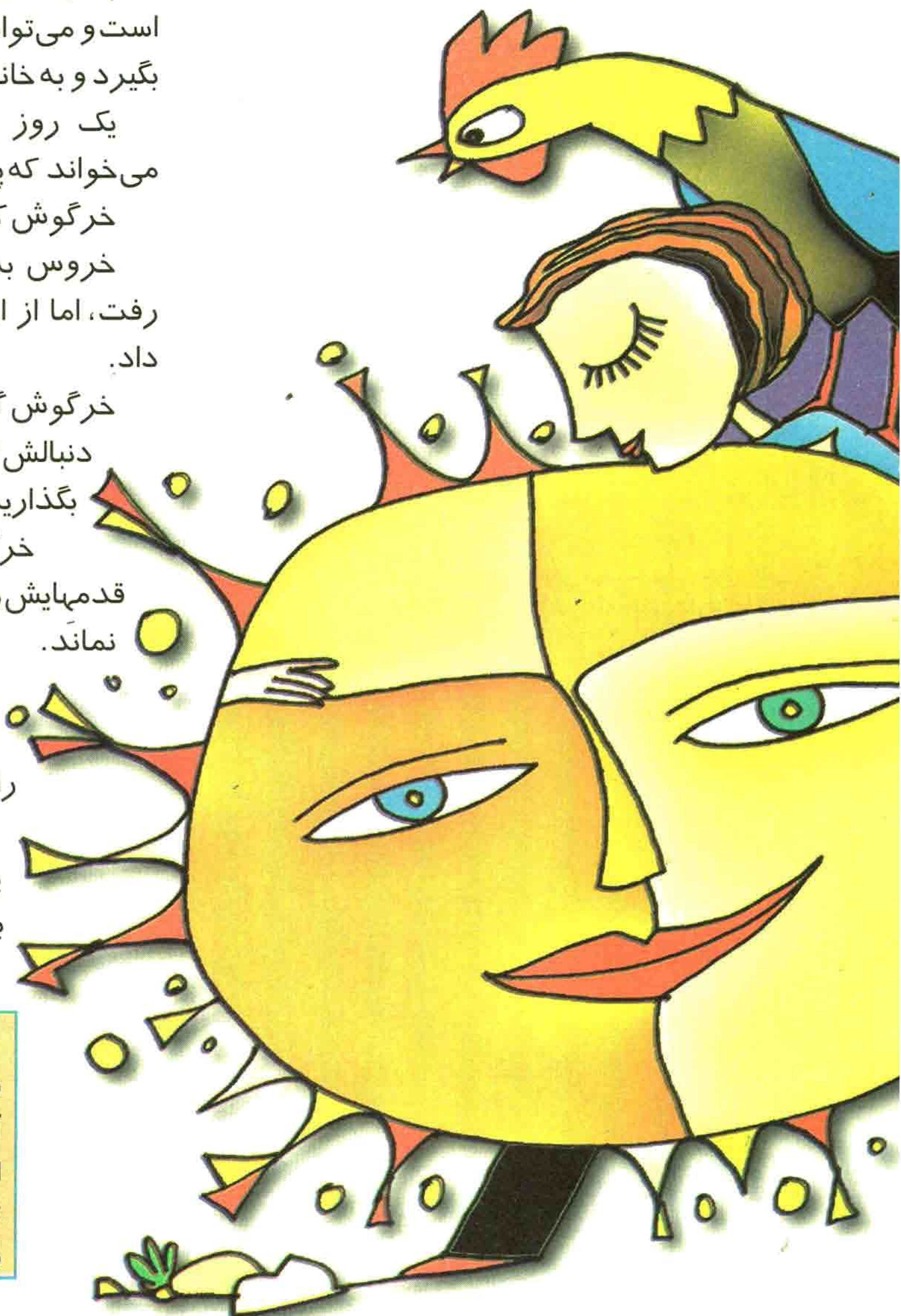
خرگوش گفت: «می‌خواهی ما هم راه بیفتیم دنبالش؟ خوب نیست دوستمان را تنها بگذاریم.»

خرگوش دوید و دوید، خروس هم قدم‌هایش را تند کرد تا از خرگوش زیاد عقب نماند.

پسر هنوز به دامنه کوه نرسیده بود که خرگوش خودش را به او رساند.

پسر خوشحال شد، ایستاد، به پشت گرم خرگوش دست کشید و برای خروس دست تکان داد...

قصه هنوز ادامه دارد.
می‌توانید کتاب «شاعر و آفتاب» را به بهای ۱۷۰ تومان از کتابفروشی‌های معتبر کودک تهیه کنید و ادامه‌ی داستان را بخوانید.



کادیلاک XLR





پژو ماش ایتالیا



••• واتیکان مرکز حکومت کاتولیک‌ها، شهری است در داخل شهر رم. این شهر قوانین، نیروی دفاعی و مقررات خاص خود دارد.



نام کشوری که آن را ایتالیا می‌نامیم از سال ۱۸۶۱ میلادی بر آن نهاده شده است. پیش از این «روم» نام باستانی و اصلی این منطقه از جهان بوده است. ایتالیا صاحب فرهنگ و هنر دیرینه‌ای در جهان است.

••• شهر «تورین»، شهر صنعتی ایتالیا و مرکز صنایع خودروسازی این کشور است. شخصی به نام «جیووانی آنجلی» در سال ۱۸۹۹، اولین کارخانه خودروسازی «فیات» را در این شهر بنا کرد.

••• «رم» پایتخت ایتالیا، یک روزه ساخته نشده است. این شهر قدیمی تاریخ طولانی و قدیمی دارد. اولین بار گفته می‌شود، دو برادر به نام‌های «رومولوس» و «رموس» در ۲۵۳ سال قبل از میلاد مسیح (ع) سنگ بنای این شهر را گذاشتند. در هر حال، این شهر ویزگی‌های زیادی دارد که یکی از آنها پلکان‌های سنگی آن است که در تصویر می‌بینید. به این پلکان‌ها، پله‌های اسپانیایی گفته می‌شود ▼



نام خودرو: شورولت بلیزر

کشور سازنده: آمریکا

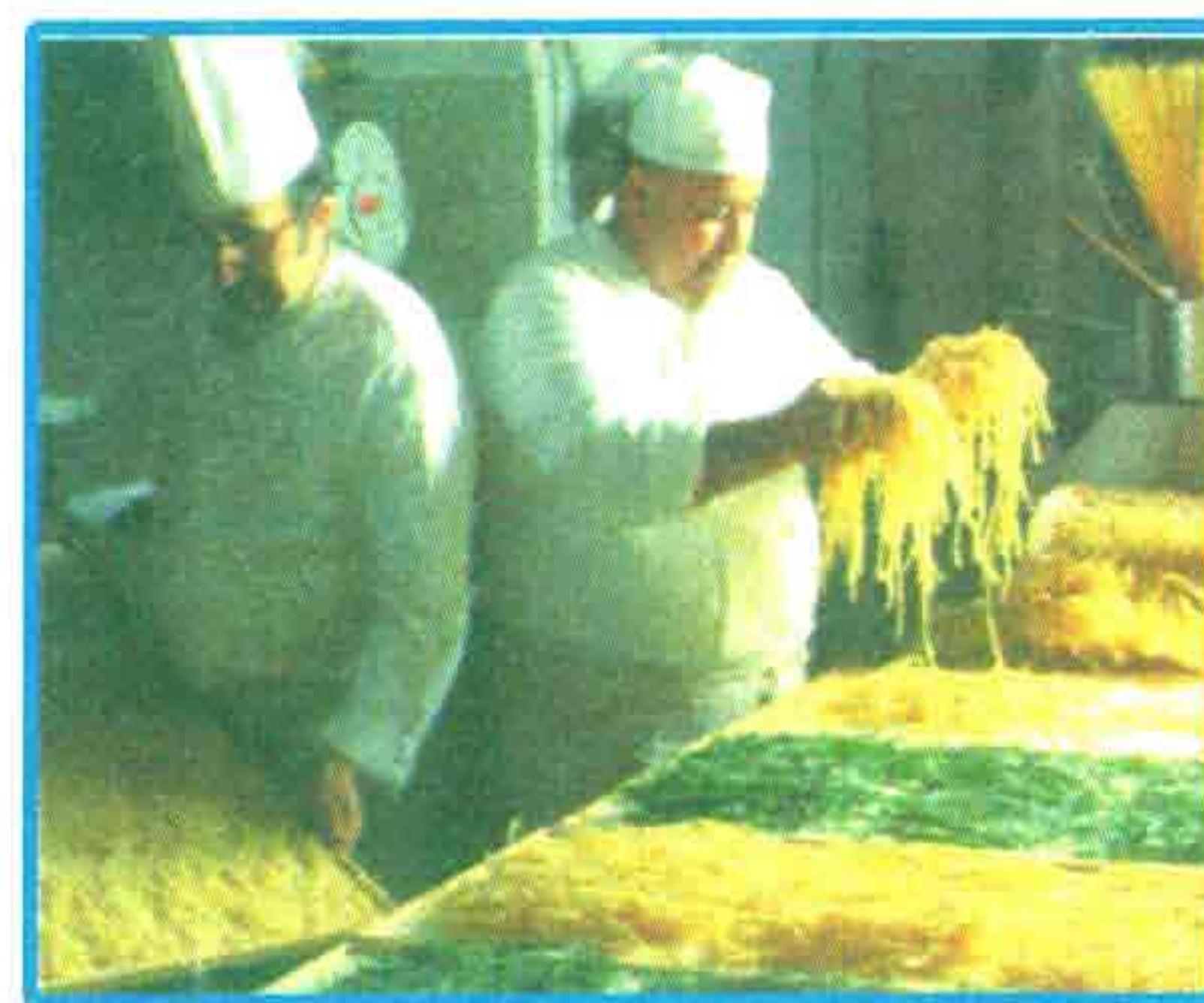
حداکثر سرعت: ۱۸۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۵ دندنه - دستی یا ۴ دندنه - اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در



••• ایتالیایی‌ها به فستیوال‌های خیابانی علاقه‌ی زیادی دارند. آنها در تعطیلات مختلف خود این جشن‌ها را در شهرها و روستاهای بپرای می‌کنند.



••• غذای محبوب و ملی ایتالیایی‌ها، «پاستا» یا همان ماکارانی است. آنها انواع و اقسام غذاهای پاستا را تهیه و تولید می‌کنند. به طور متوسط، هر ایتالیایی سالانه ۳۰ کیلوگرم پاستا مصرف می‌کنند.

••• باغات زیتون و تولید انواع فراورده‌های روغن زیتون در ایتالیا رواج دارد. این کشور به دلیل آب و هوای مدیترانه‌ای که دارد، محل مناسبی برای پرورش زیتون است.



••• تا دلتان بخواهد، موتورسیکلت «وسپا» برای حمل و نقل در رم و شهرهای بزرگ ایتالیا به چشم می‌خورد.

شورولت بلیز





۹۸ ۹۸



«هوه» که همان صدای جغد است، نام فیلمی است که «ویل شرینر» نوشته و کارگردانی کرده است. فیلم درباره‌ی سه پسر بچه است که می‌خواهند، جلوی نابودی زیستگاه گروهی از جغدها را بگیرند. «روی»، «بئاتریس» و «مالت» قهرمانان فیلم هستند.

نام خودرو: شورولت کوروت

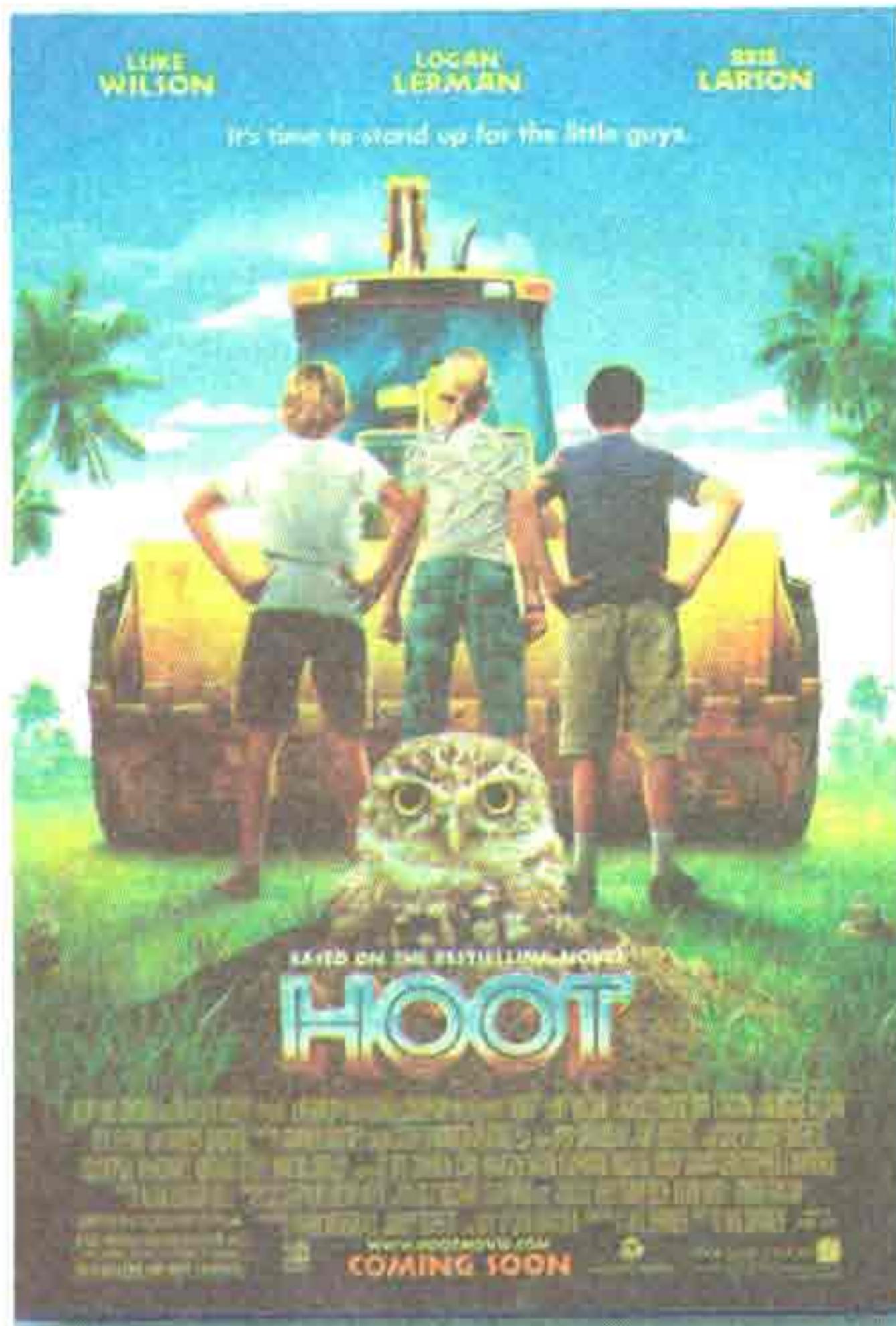
کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۲۹۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۶ دندۀ-دستی یا ۴ دندۀ-اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: فایبر‌گلاس-۲ در





آنها در یکی از ایالت‌های آمریکا زندگی می‌کنند. در فیلم می‌بینیم که «روی» از مهاجرت خانواده‌اش از آن ایالت به نقطه‌ای دیگر ناراحت است. در هشت سال گذشته، این باره پنجم است که خانواده «روی»، مهاجرت کرده‌اند. «روی» با بازیکن فوتبالی به نام «بئاتریس» و پسری دیگری به نام «مالت فینگرز» دوست است. مالت زندگی مانند «هکلبری فین» دارد. او به صورت مخفیانه در یک قایق زندگی برپا شود را خراب کند. او هر چند وقت یکبار، وارد کارخانه‌ی شود و قسمت‌هایی از آن را خراب می‌کند. افسر پلیس «دلینکو» دوست دارد تا مالت را سر بر زنگاه دستگیر کند اما متسافانه آنقدر دست و پا چلفتی است که هیچگاه موفق به این کار نشده است. سه پسر بچه با هم اتحاد می‌بنند تا کاری کنند که کارخانه در آن محل ساخته نشود. زیرا با ساخته شدن این کارخانه، بسیاری از جغدها در آن ناحیه از بین خواهند رفت. بچه‌ها همچنین باید به مردم منطقه ثابت کنند که کارخانه، جز ضرر و زیان برای آنها چیزی نخواهد داشت.

فیلم «هوهو»، موضوع حفظ محیط زیست دارد و از روی یک داستان مخصوص کودکان نوشته شده است. این فیلم کمی جنبه خنده دار و کمدی دارد و در گروه فیلم‌های خانوادگی هم، طبقه‌بندی شده است.



شورولت کورو^ت



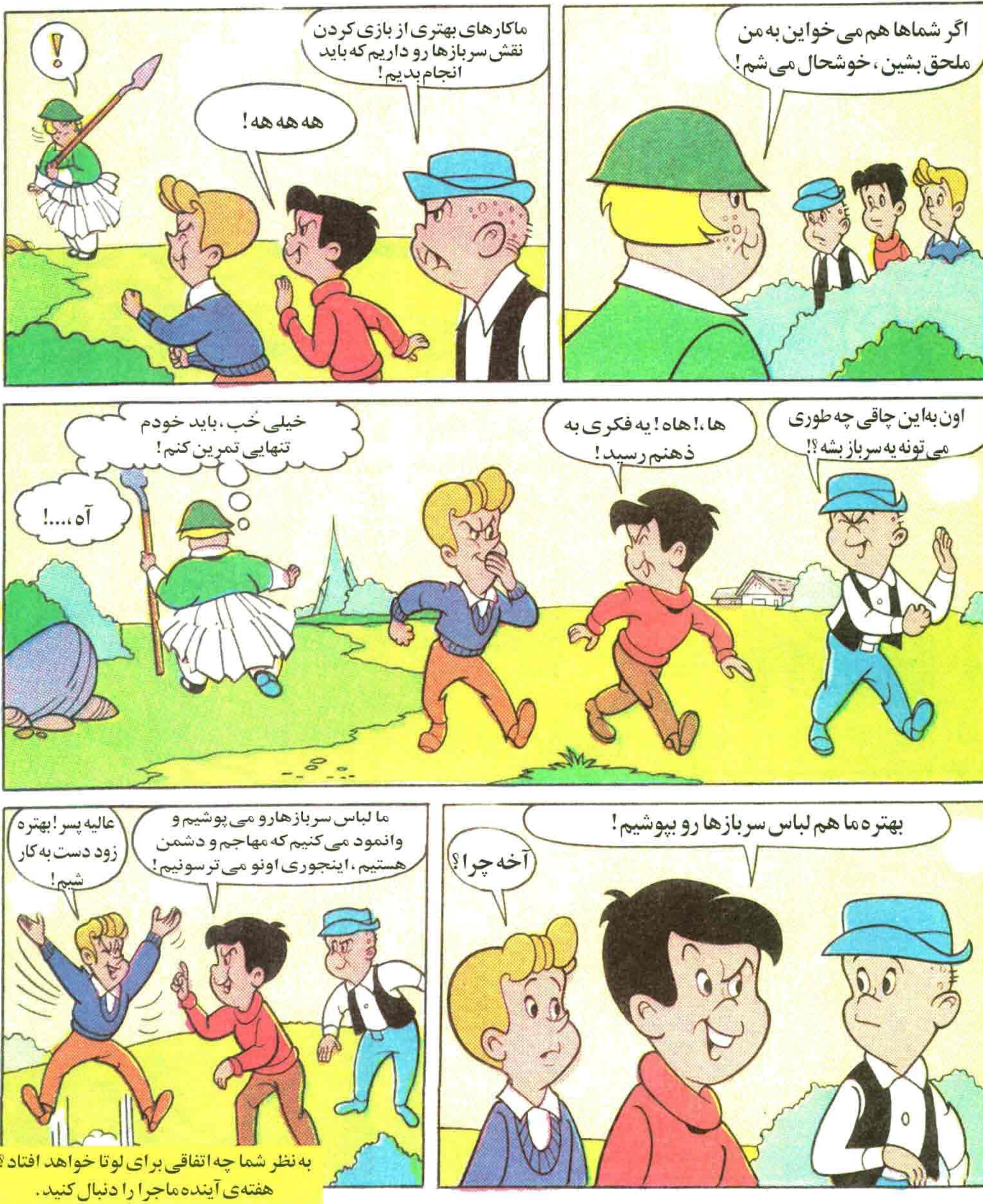
نَهْبَانِی ازْ شَہْر

قسمت اول



- نام خودرو: شورولت اکوینو کس
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۱۸۰ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۵ دنده-اتوماتیک
- مشخصات کلی بدنه: ۴ در





ترانه نجفی / ۵ ساله / از تهران



تابستان با مدرسه!

تعطیل شدیم... آره تعطیل شدیم. به اندازه‌ی تمام دنیا خوشحالم. همین طور بچه‌ها... داریم می‌دونیم. می‌خندیم... بستنی می‌خوریم... آره خوشحالیم.



امروز روز اول تعطیلی است. یکی از دوستانم رفته‌شمال... از بچه‌های دیگر هم خیلی دورم. چون خانه‌شان خیلی دوره. نمی‌دانم یک حسی دارم. یک حسی که می‌گه... دلتنگ شدم. دلتنگ بچه‌ها...



یادم روز آخر مدرسه با یکی از دوستانم قهر بودم. امروز دیدمش... در پارک... بعد از کلی صحبت با هم آشنا کردیم. خدایا خوشحالم که نگداشت این سال تحصیلی با قهر و دعوا تمام شود.



همیشه ما بودیم که می‌گفتیم، آه... امروز امتحان داریم... امروز خانم آمدۀ مگه مریض نبود؟ وای... باز هم مدرسه؟! راستش دلم برای همه‌ی آن روزها تنگ شده. برای آن قهر کردن‌ها... آشنا کردن‌ها... روی میز و نیمکت نشستن‌ها... نامه‌های زیرمیزی رد و بدل کردن‌ها... خنده‌نها... نمی‌دانم شاید فقط من این طور نباشم. شاید بقیه‌ی دوستانم هم همین طور باشند. ولی خیلی حس بدیه...



دیگه طاقت ندارم. می‌خواهم بروم مدرسه. امروز نه تنها دلم برای بچه‌ها بلکه برای مدرسه هم تنگ شده. دلم می‌خواهد بروم مدرسه. در آغوش بچه‌ها... حال و احوال پرسیدن‌ها... و...

سازمان اسناد، از تهران

فاطمه سدیدی / از رشت



ترانه نجفی / ۵ ساله / از تهران



مطلوب علمی

در زیر ششها پرده‌ای وجود دارد که شکم را از ششها جدا می‌کند. نام آن «دیافراگم» است. هنگامی که دیافراگم به طور پرشی حرکت کند. دچار «سکسکه» می‌شوید و این باعث می‌شود که شما کوتاه و سریع تنفس کنید. صدای خنده‌دار سکسکه، بر اثر عبور ناگهانی هوا و باز و بسته شدن سریع تارهای صوتی ایجاد می‌شود.

برگرفته از کتاب «بدن شما چگونه کار می‌کند»



آیا عی دانید که؟

آیا می‌دانید که مار با زبانش بو می‌کشد و شکار را پیدا کرده. می‌خورد.



مرغ مگس‌خوار تنها پرنده‌ای است که به عقب هم پرواز می‌کند.

برگرفته از مجله‌ی «خانواده‌ی سرمه»

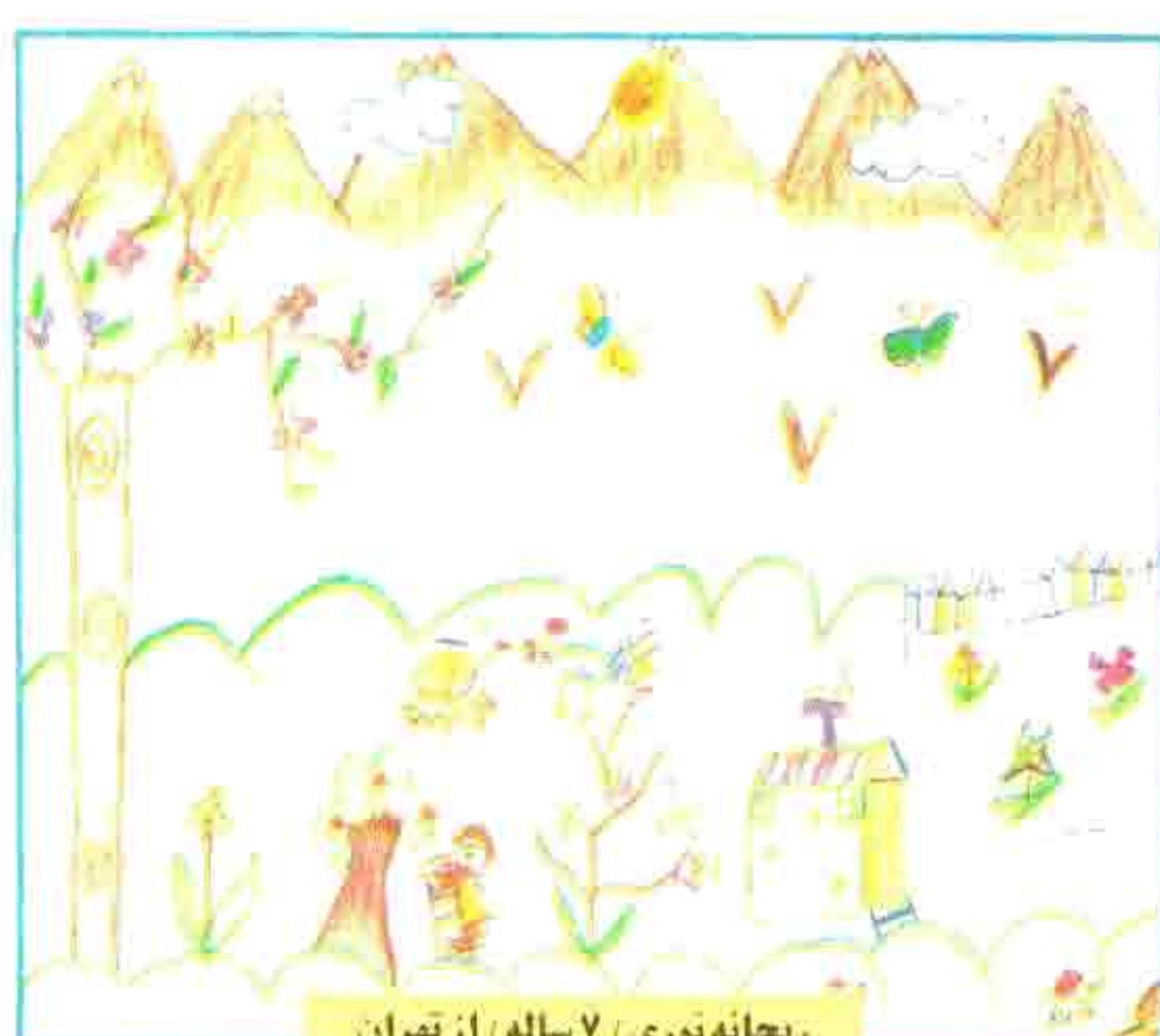


لطیفه

روزی دو نفر خالی‌بند به هم می‌رسند. اولی: ساعت بابای من افتاده بود توی چاه. ۱۰ سال بعد درش آوردنده. هنوز کار می‌کرد. دومی: برای این که کم نیاورد. گفت: این که چیزی نیست. بابای من افتاده بود توی چاه. ۱۰ سال بعد. درش آوردنده. هنوز زنده بود! اولی: اون تو چی کار می‌کرد؟ دومی: ساعت بابای جنابعالی را کوک می‌کرد!



روزی یک نفر از دوستش می‌پرسد: کی از سفر برگشتی؟ می‌گوید: فردا. اولی: فردا که هنوز نیومده؟ دومی: عجله داشتم. یک روز زودتر او مدم! ظاهره آتش وند از تهران



ریحانه نوری / ۷ ساله / از تهران



سجاد عومن زاده / از رشت

- نام خودرو: شورولت ایمپلا
- کشور سازنده: آمریکا
- حداکثر سرعت: ۲۳۳ کیلومتر در ساعت
- انتقال نیرو: ۴ دندۀ اتوماتیک
- مشخصات کلی بدن: ۴ در



فرستنده:

لشرونج



نشانی:

تهران- خیابان انقلاب اسلامی- چهار راه حافظ- پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»

(دوست)



۱۴



(۹) سه

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۵ هر ماه ۴ شماره، هر شماره ۲۲۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک صادرات میدان اتفاق داد ۷۶ به نام موسسه تئیم و نشر آثار امام (ره) واریز نمی‌شد. قابل پرداخت در
کلیه شب بانک صادرات در سراسر کشور غیر اشتراک را همراه با رسید باشی به نشانی: تهران خیابان اثبات اسلامی، چهار راه حاشیه پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمائید.

قابل توجه مقاضیان خارج از کشور

بستانگ هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارند، می‌توانند
مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس نشانی فرد خارج از کشور را به
امور مشترکان مجله دوست ارسال نمایند.



مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۰۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۴
قابل پرداخت در کلیه شب بانک ملی سراسر کشور واریز فرمایند.
نشانی: اصفهان- خیابان شیخ بهایی مقابل بیمارستان مهرگان نمایندگی چاپ و نشر عروج تلفن: ۰۳۶۴۵۷۷

- بهای یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:
- خاورمیانه (کشورهای همچوar) ۷/۰۰۰ ریال
- اروپا، آفریقا زبان ۸/۰۰۰ ریال
- آمریکا، کانادا، استرالیا ۹/۵۰۰ ریال

فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی: ۹۰

تاریخ تولد: / /

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره:

امضاء

۱۴۲

نام خودرو: شورولت مالیبو

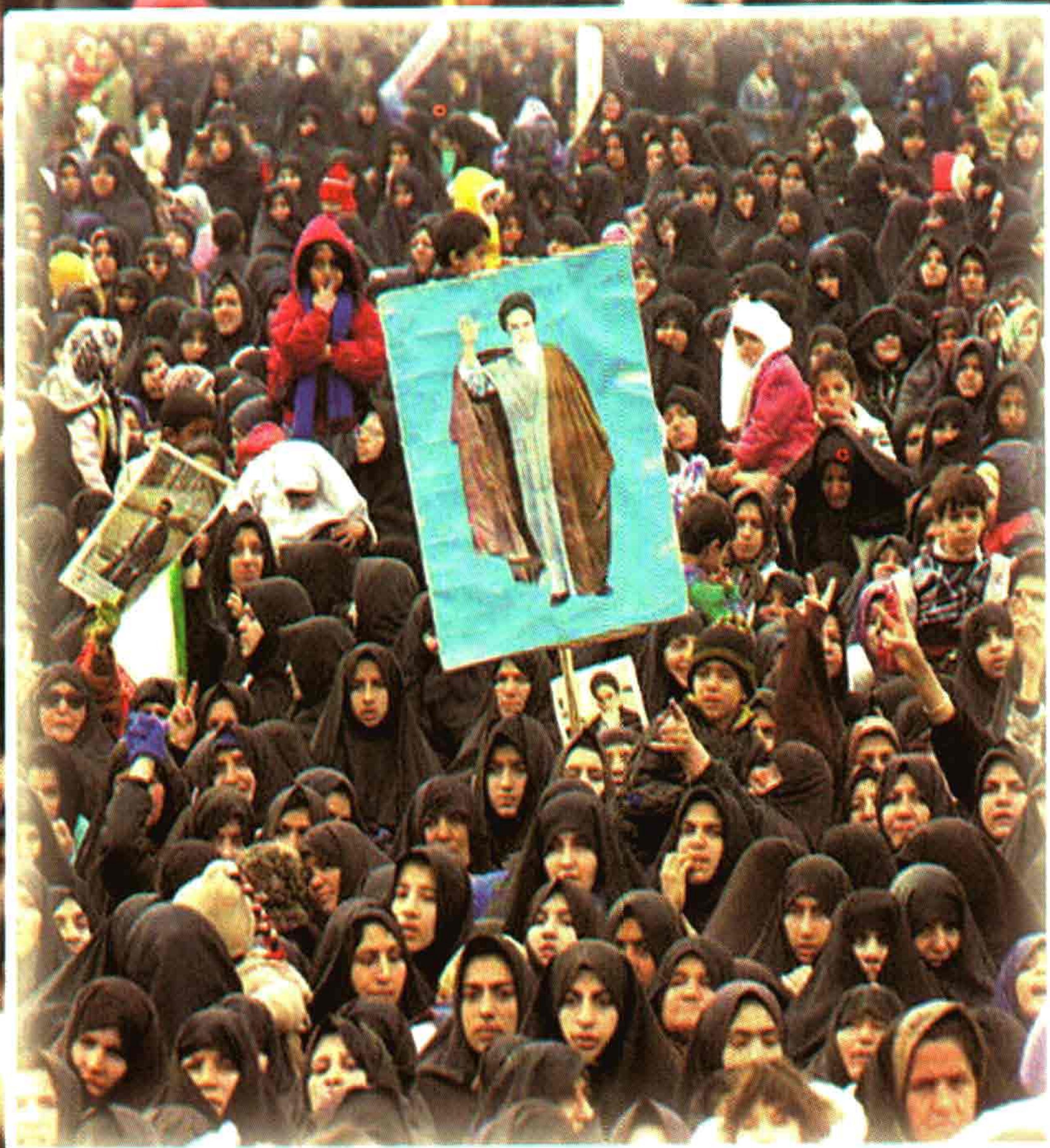
کشور سازنده: آمریکا

حداکثر سرعت: ۲۰۰ کیلومتر در ساعت

انتقال نیرو: ۴ دندنه- اتوماتیک

مشخصات کلی بدنه: ۴ در





٤٣

شورولت مالیبو



بازی

چتر بازان و ۵ اشتباه

شرح در صفحه ۲

